



کارزار محوپولیو؛

افغانستان همچنان در صدر فهرست فلج کودکان قرار دارد



افغانستان در کنار بحران فقر و گرسنگی، با بحران صحتی نیز دست و پنجه نرم می‌کند. عدم کارایی نظام صحتی، رعایت نکردن تدابیر پیشگیرانه از شیوع بیماری‌های همه‌گیر و کاهش کمک‌های بشردوستانه از عوامل اساسی این بحران خوانده می‌شوند. طالبان در جریان ۲۱ ماه گذشته حضور زنان در عرصه عرضه خدمات صحتی را محدود کرده‌اند و این امر دسترسی زنان به خدمات صحتی را به شدت کاهش داده است. عدم حضور زنان در کارزارهای محوپولیو نیز بر این بحران افزوده است...

صفحه ۳

از شکنجه تا تجاوز جنسی و قتل؛

در زندان‌های زنانه طالبان چه جریان دارد؟

یک منبع امنیتی در فرماندهی امنیه ولایت فاریاب به شرط فاش نشدن نامش به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بیشتر این زنان به ظن فساد اخلاقی، سرقت، فریب کاری و اتهام فرار دختران از منزل، بازداشت شده‌اند. به گفته این منبع، نبود پرونده جرمی سبب شده که مدت حبس این زنان ناروشن باقی بماند. او توضیح می‌دهد که از میان ۳۶ زن زندانی در این زندان، برای ۲۱ تن آنان پرونده ترتیب نشده است. شماری از این زنان شش ماه، هشت ماه و حتی یک سال قبل بازداشت و به این زندان منتقل شده‌اند. این ۲۱ زن کسانی‌اند که از بدو بازداشت تاکنون اقرارشان برای ملاقات آنان مراجعه نکرده‌اند. براساس طرز العمل زندان‌ها در حکومت قبلی، پرونده متهمان در جریان سه ماه تا استریم محکمه فرستاده می‌شد. با وجودی که نزدیک به دو سال از حاکمیت طالبان بر کشور می‌گذرد، اما در این مدت طالبان قوانین و یا طرز العمل مشخصی برای تعقیب پرونده‌های مظنون‌ها ترتیب نکرده‌اند.



قطر؛ کشوری کوچک، بازیگری بزرگ

خروج فاجعه‌بار آمریکا از افغانستان؛

جمهوری خواهان رسماً نخستین مصاحبه‌های رونویسی شده را درخواست کردند



۸ صبح، کابل: مایکل مک کال، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا به گونه رسمی درخواست کرده است که مصاحبه‌های رونویسی شده

برای تحقیقات کمیته روابط خارجی این مجلس در مورد خروج دولت بایدن از افغانستان انجام شود. بر بنیاد گزارش سی‌ان‌ان، مک کال روز یکشنبه، ۲۴ ثور، نخستین درخواست مصاحبه‌های رونویسی شده را از جان‌اتان منوتی، سرپرست پیشین دفتر کارول پرز، معاون سرپرست وزارت امور خارجه آمریکا انجام داده است. مارک ایوانز، مدیر پیشین امور افغانستان در وزارت امور خارجه آمریکا، جیمز پی دی هارت، فرمانده

پیشین گروه ویژه نیروهای آمریکایی در افغانستان، جین هاول، کارمند دفتر امور کنسولی و دانیل اسمیت، سناتور پیشین آن کشور از افرادی‌اند که بازبینی پس از اقدام وزارت امور خارجه ایالات متحده در مورد عقب نشینی ایالات متحده از افغانستان را رهبری می‌کنند. وی افزود: «ما از طریق تحقیقات در حال انجام خود به این نتیجه رسیدیم که این پنج نفر اطلاعات مهمی در اختیار دارند.» مایکل اضافه کرده است: «این بسیار مهم است که آن‌ها بدون تاخیر با کمیته صحبت کنند. همانطور که ما به جمع‌آوری شواهد ادامه می‌دهیم، کمیته به مصاحبه با مقامات فعلی و سابق دولت که در

بورل و حنا ربانی در مورد افغانستان گفت‌وگو کردند



خارجه پاکستان در نشست اتحادیه اروپا، هند و اقیانوسیه خبر داده است. او نوشت: «حنا ربانی کهر تبادل نظر خوبی داشت.»

به گفته وی، دوطرف در مورد افغانستان و وضعیت سیاسی کنونی پاکستان باهم گفت‌وگو کرده‌اند.

خانم کهر تا کنون در مورد این دیدار چیزی نگفته است.

این در حالی است که چندی پیش نیز حنا ربانی کهر در دیدار با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، بر تمایل کشورش به همکاری با جامعه جهانی برای ایجاد یک «روند معتبر» تعامل با افغانستان زیر کنترل طالبان تاکید کرده بود.

۸ صبح، کابل: مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌گوید که در دیدار با معاون وزیر امور خارجه پاکستان، در مورد وضعیت افغانستان باهم گفت‌وگو کرده‌اند. جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز یکشنبه، ۲۴ ثور، با نشر تصویری از دیدار با حنا ربانی کهر، معاون وزیر امور

نگرانی برنامه جهانی غذا: ۲۰ میلیون تن در افغانستان شب‌ها گرسنه می‌خواهند



تغییرات آبوهوا در افغانستان دسترسی خانواده‌ها به آب را ۶۰ درصد کاهش داده است



درگیری میان طالبان و مرزبانان ایرانی در نیمروز



منابع محلی در ولایت نیمروز از وقوع درگیری میان نیروهای طالبان و مرزبانان ایرانی در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این درگیری حوالی چاشت روز یکشنبه، ۲۳ ثور، در منطقه ماکی ولسوالی کنگ نیمروز رخ داده است. به گفته منابع، درگیری پس از آن رخ داد که مرزبانان ایرانی به خاک افغانستان تیراندازی کرده‌اند.

منابع در مورد علت تیراندازی مرزبانان ایرانی معلومات ارایه نکرده‌اند.

تاکنون از تلفات درگیری جزئیات دقیق ارایه نشده است.

طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که پیش از این نیز میان دو طرف همواره درگیری‌هایی رخ داده است.

در آخرین مورد، طالبان و مرزبانان ایرانی در ساحه گودر عبدالرحمان نیمروز باهم درگیر شده بودند.

صفحه ۲

صفحه ۲

۵

۶



انحصار قدرت، سرطان حیات سیاسی در افغانستان

در تازه‌ترین اظهار نظر که از قول سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله گروه طالبان به رسانه‌ها رسیده است، وی از انحصار قدرت از سوی وابسته‌گان یک مدرسه دینی شکایت دارد. او از این مدرسه نام نبرده است، اما دیگران می‌گویند که نیمی از اعضای کابینه طالبان را وابسته‌گان مدرسه حقانیه پاکستان تشکیل می‌دهند؛ مدرسه‌ای که به افکار متحجر، تعصب فرقه‌ای، زدوبندهای سیاسی و آفاتی از این قبیل شهرت دارد و از همه بدتر این‌که به خون‌ریزی‌های فراوانی در این منطقه وصل است.

این‌که گروه طالبان گروهی بی‌طرفیت و به‌شدت انحصارگرا است، از بدیهیات عرصه جنگ و سیاست در افغانستان است و این‌که این موضوع با زبان یکی از رهبران ارشد این گروه گفته می‌شود، حکایت از عمق فاجعه‌ای دارد که این گروه بر افغانستان تحمیل کرده است. انحصار قدرت به‌عنوان عامل بحران در افغانستان، یکی از محدود موضوعاتی است که مورد اجماع همه گروه‌های سیاسی است و از کسانی در رهبری طالبان تا آن سر طیف نیروهای سیاسی پیوسته تکرار و از آن شکایت دارند. شکایت از این پدیده از امروز نیست، زیرا ساختار قدرت در این‌جا همیشه معیوب بوده و از همان رو هیچ‌گاه منازعه و بحران در این‌جا نخواستید و راهی به ثبات پایدار گشوده نشده است.

آن‌چه پس از این تجربه تلخ و پرپیچ‌وخم مهم است، چاره‌جویی برای این آفت بزرگ است. باید دید که چگونه سرطان انحصارگرایی را از بدنه سیاست در افغانستان می‌توان بیرون کشید و ریشه‌کن کرد، چه انحصارگرایی رنگ قومی داشته باشد و چه حزبی، دینی، منطقه‌ای یا ایدئولوژیک. این کار نه با شکایت و گله‌گذاری ممکن است و نه با هیاهو و تعرض. راه‌حل درست این معضل مزمن و منازعه‌خیز، چند گام اساسی است. نخست، باید پدیده قدرت را به‌شکل علمی و عقلانی شناخت و از آن اسطوره‌زدایی کرد، بدان‌گونه که در فلسفه سیاسی رایج است. اسطوره‌زدایی از قدرت یعنی واژدن لایه‌های تقدس دینی، فرهنگی و ایدئولوژیک از این پدیده و شناخت آن مانند هر پدیده اجتماعی دیگر. دوم، باید مکانیسمی برای مهار قدرت و جلوگیری از تراکم و تمرکز آن جست‌وجو کرد؛ چرا که هر چه قدرت متمرکزتر است، فاسدکننده‌تر است، هم فاسدکننده شخص صاحب قدرت و هم فاسدکننده اجتماعی که او به کنترل خود درمی‌آورد. تفکیک و استقلال قوای اساسی دولت، توزیع قدرت میان نهادهای دولتی، گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی، با شفافیت و نظارت افکار عمومی، تنها راهی است که مانع شکل‌گیری استبداد و تمرکزگرایی می‌شود. سوم، باید مکانیسم‌هایی برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت‌شان ایجاد کرد، از سطح محلات تا سطح کشوری، تا مردم صاحب قدرت و حاکمان مجبور به پاسخگویی شوند.

افزون بر این‌ها اما از یاد نبریم که این موضوع یک لایه فرهنگی هم دارد. رهایی از چنگ انحصارگرایی سیاسی ممکن نیست مگر این‌که اتوریته‌سازی‌های بی‌جا را در همه سطوح کنار بگذاریم، از خانه تا محله، تا محیط آموزشی، تا محیط کاری، تا محیط سازمانی و تشکیلاتی. به این‌گونه است که دموکراسی در زنده‌گی یک ملت ریشه می‌دواند و راه را بر انحصار قدرت برای همیشه می‌بندد. شکایت از انحصارگرایی هنگامی معنا دارد که اراده‌ای به خشکاندن ریشه‌های این سرطان در حیات سیاسی ما پدید بیاید. روح دموکراسی و گوهر اساسی آن، پایان دادن به انحصار، استبداد و خودکامه‌گی است.

نگرانی برنامه جهانی غذا:

۲۰ میلیون تن در افغانستان شب‌ها گرسنه می‌خواهند



۸صبح، کابل: مسوول برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد در افغانستان می‌گوید که ۲۰ میلیون تن در افغانستان شب‌ها گرسنه می‌خواهند و غذای کافی ندارند.

شائو لی، مسوول برنامه جهانی غذا برای افغانستان، روز یکشنبه، ۲۴ ثور، در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «اسکای نیوز» در لندن گفت که با روی کارآمدن طالبان، فرصت‌های شغلی در این کشور شدیداً کاهش یافته است.

وی افزود: «هر روز، حدود ۲۰ میلیون تن در افغانستان غذای کافی ندارند و گرسنه می‌خواهند، و چهار میلیون مادر و کودک در معرض خطر سوءتغذیه هستند و خطر مرگ وجود دارد. پس از آگست سال ۲۰۲۱، بنیاد اقتصادی افغانستان سقوط کرده است. سه سال گذشته خشک‌سالی وجود داشته و قیمت مواد غذایی نیز افزایش یافته است.»

به گفته او، دو بحران کاهش تولید مواد غذایی به دلیل خشک‌سالی و نداشتن توانایی خرید مواد

غذایی به دلیل گسترش فقر و نبود شغل، همزمان دامن‌گیر مردم افغانستان شده است. برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد می‌گوید که سوءتغذیه حاد در ۲۵ از ۳۴ ولایت این کشور بالاتر از آستانه اضطراری شدن است و انتظار تشدید این روند می‌رود.

این نهاد تصریح کرد که حدود نیمی از کودکان زیر پنج سال و یک‌چهارم زنان باردار و شیرده در ۱۲ ماه آینده به حمایت حیاتی غذایی نیاز دارند.

برنامه جهانی غذا می‌افزاید که برای شش ماه آینده به ۱.۴۶ میلیارد دالر برای عملیات کمک‌رسانی خود در افغانستان نیاز فوری دارد.

این در حالی است که با تسلط طالبان بر افغانستان، کشورهای جهان و سازمان‌های مددکاران همواره از وضعیت وخیم بشری در این کشور هشدار داده‌اند. گفتنی است که دفتر هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوپا) گزارش داده که تغییرات آب‌وهوا در افغانستان دسترسی خانواده‌ها به آب را ۶۰ درصد کاهش داده است.

مردی در بادغیس خواهرش را به قتل رساند

۸صبح، بادغیس: منابع محلی در ولایت بادغیس می‌گویند که یک مرد در این ولایت خواهرش را به قتل رسانده است.

منابع به روزنامه ۸صبح گفتند که این مرد روز شنبه، ۲۳ ثور، در منطقه مورچاق ولسوالی بالامرغاب بادغیس خواهرش را با ضرب گلوله به قتل رسانده است.

این زن شاه‌جی نام داشته و بیوه بوده است. انگیزه اصلی این رویداد روشن نیست، اما گفته می‌شود که علت وقوع این رویداد اتهام رابطه خارج از ازدواج بوده است.

طالبان در مورد این رویداد تاکنون چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که روز پنجشنبه، ۲۰ ثور، نیز یک زن باردار به‌گونه مرموز در ولسوالی قادس بادغیس به قتل رسید.

تغییرات آب‌وهوا در افغانستان دسترسی خانواده‌ها به آب را ۶۰ درصد کاهش داده است



۸صبح، کابل: دفتر هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوپا) گزارش داده است که تغییرات آب‌وهوا در افغانستان دسترسی خانواده‌ها به آب را ۶۰ درصد کاهش داده است. اوپا این مطلب را روز یکشنبه، ۲۴ ثور، در صفحه توئیترش بیان کرده است.

ارزیابی‌های اوپا نشان می‌دهد که میزان خانواده‌هایی که با کمبود آب در افغانستان مواجه هستند در سال ۲۰۲۱ به ۴۸ درصد می‌رسید اما این رقم در سال ۲۰۲۲ به ۶۰ درصد افزایش یافته است.

دفتر هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد تاکید کرده که برای تسریع تغییرات و حل بحران آب و فاضلاب در افغانستان در سال

یک زن باردار به‌گونه مرموز در بادغیس کشته شد

۸صبح، بادغیس: منابع محلی در بادغیس می‌گویند که یک زن باردار به‌گونه مرموز در این ولایت به قتل رسیده است.

منابع محلی به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این زن روز پنجشنبه، ۲۱ ثور، در روستای نواباد ولسوالی قادس بادغیس کشته شده است.

به گفته منابع، این زن ۵۰ ساله مهتاب نام داشت. برپایه اطلاعات منابع، مهتاب به اتهام رابطه خارج

طالبان چهارراهی‌های مشهور زابل را به‌نام افراد این گروه تغییر دادند

۸صبح، زابل: منابع محلی در زابل می‌گویند که ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در این ولایت نام‌های سه چهارراهی بزرگ و مشهور زابل را به‌نام افراد این گروه تغییر داده است. منابع محلی روز یکشنبه، ۲۴ ثور، می‌گویند که چهارراهی عمومی زابل و چهارراهی‌های جنرال آصف توخی و جنرال عبدالرازق از مکان‌هایی است که طالبان آن را تغییر نام داده‌اند.

طالبان چهارراهی عمومی زابل را به‌نام ملامدد، چهارراهی جنرال آصف توخی را به‌نام منصور و چهارراهی جنرال عبدالرازق را به‌نام ابودوجانه نام‌گذاری کرده‌اند.

به گفته منابع، چهارراهی‌های که از سوی طالبان در زابل تغییر نام داده شده، از مکان‌های مشهور با نام‌های قبلی آن است، اما طالبان آن را به‌نام افراد این گروه تغییر داده‌اند.

تغییر نام مکان‌ها از سوی طالبان در زابل و دیگر ولایت‌ها بی‌پیشینه نیست. این گروه پیش از این نیز پارک موسوم به ناکامورا را در محوطه دانشگاه زابل به‌نام ملا روزی خان عاکف تغییر نام داده‌اند.

همچنان طالبان دوراهی بگرام در شاهراه کابل - پروان را به‌نام ملا حسن از افراد انتحاری این گروه تغییر داده‌اند.



درگیری‌های مسلحانه بر سر علفچرها در فاریاب چهار کشته برجای گذاشت

۸صبح، فاریاب: منابع محلی در فاریاب از ادامه درگیری‌های مسلحانه میان ساکنان بومی و کوچی‌ها، بر سر علفچرها در این ولایت خبر می‌دهند.

این درگیری‌ها از روز جمعه، ۲۲ ثور، در منطقه بندر ولسوالی کوهستان آغاز شده است و تا کنون به‌گونه وقفه‌ای ادامه دارد. به گفته منابع، در پی این درگیری‌ها تا کنون سه تن از ساکنان بومی و یک کوچی کشته شده‌اند.

منابع مدعی‌اند که کوچی‌ها با سلاح‌های سبک و سنگین به سوی باشندگان محل شلیک می‌کنند.

منابع اضافه می‌کنند که تلاش مقام‌های محلی طالبان برای پایان دادن این درگیری‌ها نیز نتیجه نداده است.

طالبان تا کنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند.

با روی کار آمدن طالبان، کوچی‌ها در فاریاب و برخی ولایت‌های دیگر علیه ساکنان بومی دعوی حقوقی به راه انداخته‌اند.

بربنیاد ادعای منابع، در برخی موارد، طالبان این دعواها را به نفع کوچی‌ها فیصله کرده و ساکنان بومی را کوچ داده‌اند.



**بر اساس یافته‌های روزنامه
۸ صبح، در حال حاضر ۳۶ زن در
زندان ولایت فاریاب زندانی‌اند.
این زنان به اتهام‌های مختلف از
سوی طالبان بازداشت شده‌اند و
در زندان به سر می‌برند. شماری
از این زنان در ۱۹ سنبله ۱۴۰۰
به این زندان منتقل شده، اما در
یک سال گذشته برای عده زیادی
از آنان پرونده جرمی ترتیب
نشده است. روی همین ملحوظ،
قضیه این زنان برای بررسی به
هیچ دادگاهی محول نشده است.**



از شکنجه تا تجاوز جنسی و قتل؛

در زندان‌های زنانه طالبان چه جریان دارد؟

اسماعیل سادات

زندانیان زن در محابس طالبان در ولایت‌های جوزجان، فاریاب و سمنگان با وضعیت اسفباری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تحقیر، توهین، شکنجه جسمی و تجاوز جنسی از مواردی‌اند که این زندانیان در محابس طالبان در شمال تجربه می‌کنند. براساس یافته‌های روزنامه ۸ صبح، پس از سقوط نظام جمهوری، ۹۰ زن در سه ولایت شمال کشور از سوی طالبان بازداشت و زندانی شده‌اند. از این میان ۳۶ زن در فاریاب، ۳۴ زن در سمنگان و ۲۰ زن دیگر در ولایت جوزجان در یک سال گذشته برخورد نامناسب طالبان را در زندان به تجربه گرفته‌اند.

یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که در زندان‌های زنانه این سه ولایت از طرف روز ۱۰ زن مشغول تلاشی بدنی، صفاکاری و نگهبانی‌اند، اما از طرف شب هیچ نگهبان زن حضور ندارد. با این وصف، مسوولیت امنیت این زندان‌ها از طرف شب برعهده جنگ‌جویان طالبان است؛ نگهبانانی که «در تجاوز جنسی بر زندانیان زن دخیل‌اند».

براساس یافته‌های روزنامه ۸ صبح، از میان ۹۰ زن زندانی در جوزجان، فاریاب و سمنگان، ۱۶ تن آنان در نتیجه تجاوز جنسی مکرر حمل‌گرفته و در شفاخانه‌های محلی جنین‌شان را سقط کرده‌اند. منابع صحنی در ولایت‌های فاریاب و سمنگان تایید می‌کنند که جنین‌های این زنان در ماه‌های سوم و پنجم بارداری به دستور طالبان سقط داده شده است. براساس روایت زندانیانی که برخورد نامناسب طالبان را در زندان تجربه کرده‌اند، زندانیان زن در شمال با اعمال فشار طالبان خلاف رضایت‌شان تن به رفع نیاز جنسی عده‌ای از مقام‌های محلی طالبان داده‌اند. یکی از زندانیان رهاشده، تایید می‌کند که دست‌کم چهار زندانی زن در ولایت سمنگان در اثر تجاوز جنسی متواتر افراد طالبان دچار بیماری شدید شده و سرانجام از سوی طالبان تیرباران شده‌اند.

طبق اطلاعاتی که از منابع در زندان‌های زنانه طالبان در شمال گردآوری شده، بیشتر این زنان به دلایل مختلف از جمله اتهام فساد اخلاقی، سرقت، فریب‌کاری و فرار از منزل زندانی شده‌اند. منابع آگاه تایید می‌کنند که از میان ۹۰ زندانی زن در فاریاب، جوزجان و سمنگان، ۳۳ تن آنان کسانی‌اند که از بدو زندانی شدن تاکنون بسته‌گان‌شان به دیدار آنان نرفته‌اند. این منابع احتمال می‌دهند که خانواده‌های آنان از سرنوشت این زنان آگاهی ندارند.

کارمندان صحنی در بخش نسایی - ولادی شفاخانه‌های فاریاب، سمنگان و جوزجان به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که در جریان یک سال گذشته افراد طالبان ۴۸ زن را از طرف شب برای درمان به این شفاخانه‌ها منتقل کرده‌اند که در اثر شکنجه فیزیکی و تجاوز جنسی دچار خون‌ریزی شدید بودند. براساس اظهارات این منابع، افراد طالبان در این قضایا به داکتران نوکریوال هرگز اجازه ترتیب دوسیه را ندادند.

شهرت این منابع نزد روزنامه ۸ صبح محفوظ است و به دلیل تهدیدهای امنیتی که احتمالاً متوجه مصاحبه‌شونده‌گان می‌شود، از هیچ‌یک آنان در این گزارش نام برده نشده است.

وضعیت زندانیان زن در فاریاب

براساس یافته‌های روزنامه ۸ صبح، در حال حاضر ۳۶ زن در زندان ولایت فاریاب زندانی‌اند. این زنان به اتهام‌های مختلف از سوی طالبان بازداشت شده‌اند و در زندان به سر می‌برند. شماری از این زنان در ۱۹

سنبله ۱۴۰۰ به این زندان منتقل شده، اما در یک سال گذشته برای عده زیادی از آنان پرونده جرمی ترتیب نشده است. روی همین ملحوظ، قضیه این زنان برای بررسی به هیچ دادگاهی محول نشده است.

یک منبع امنیتی در فرماندهی امنیه ولایت فاریاب به شرط فاش نشدن نامش به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بیشتر این زنان به ظن فساد اخلاقی، سرقت، فریب‌کاری و اتهام فرار دختران از منزل، بازداشت شده‌اند. به گفته این منبع، نبود پرونده جرمی سبب شده که مدت حبس این زنان ناروشن باقی بماند. او توضیح می‌دهد که از میان ۳۶ زن زندانی در این زندان، برای ۲۱ تن آنان پرونده ترتیب نشده است. شماری از این زنان شش ماه، هشت ماه و حتی یک سال قبل بازداشت و به این زندان منتقل شده‌اند. این ۲۱ زن کسانی‌اند که از بدو بازداشت تاکنون اقرارشان برای ملاقات آنان مراجعہ نکرده‌اند. براساس طرزالعمل زندان‌ها در حکومت قبلی، پرونده متهمان در جریان سه ماه تا استرهمحکمه فرستاده می‌شد. با وجودی که نزدیک به دو سال از حاکمیت طالبان بر کشور می‌گذرد، اما در این مدت طالبان قوانین و با طرزالعمل مشخصی برای تعقیب پرونده‌های مظنون‌ها ترتیب نکرده‌اند.

یک منبع در مدیریت زندان ولایت فاریاب تایید می‌کند که شماری از این زندانیان جوان شب‌هنگام توسط محافظان ویژه فرماندهی امنیه، رییس استخبارات، فرمانده کدک ارتش و عده‌ای از مقام‌های دیگر طالبان از زندان بیرون کشیده و پس از سوءاستفاده‌های جنسی دوباره به زندان منتقل می‌شوند. این منبع اما مشخص نساخت که این زنان شب‌هنگام به کجاها منتقل می‌شوند.

ناظر یکی از نهادهای حقوق بشری که بنا بر تهدیدات امنیتی با هویت پنهان قضایای خشونت بر زنان و قضایای حقوق بشری را در فاریاب نظارت می‌کند، در صبحت با روزنامه ۸ صبح تایید می‌کند که در هشت ماه گذشته هشت قضیه تجاوز جنسی انفرادی و شش قضیه تجاوز جنسی گروهی در این ولایت بر زندانیان زن از سوی مقام‌های طالبان صورت گرفته است. به سخن او، این قضیه‌ها نزد یکی از نهادهای بین‌المللی ثبت شده است. این منبع توضیح می‌دهد که نه تنها مقام‌های بلندرتبه طالبان، بلکه نیروهای سطح پایین این گروه نیز شب‌هنگام وارد بلاک‌های زندان زنانه می‌شوند و از زندانیان زن سوءاستفاده جنسی می‌کنند.

با این حال، یک داکتر زن در بخش نسایی - ولادی شفاخانه ولایتی شهر میمنه که نخواست نامش در گزارش درج شود، به روزنامه ۸ صبح گفت که طالبان



چندین زنی که به دلیل تجاوز جنسی دچار خون‌ریزی شده بودند را شب‌هنگام با تدابیر شدید امنیتی به این مرکز صحنی منتقل کرده‌اند. این داکتر افزوده است که نشانه‌های شکنجه و تجاوز جنسی در وجود آن زنان مشهود بوده است. به سخن منبع، این‌دست بیماران در اتاق‌های دورافتاده و به دور از تجمع بیماران در شفاخانه زیر مداوا قرار گرفته‌اند. آن‌چنانی که این منبع می‌گوید، در چنین وضعیت چهار تا پنج جنگ‌جوی مسلح طالبان از این‌دست بیماران حفاظت می‌کردند و به پرستار و داکتر نوکریوال/شیفت اجازه صحبت با بیمار رانمی‌دادند.

این داکتر می‌گوید: «۱۳ تن از زندانیان زن که در محبس پس از تجاوز جنسی از سوی طالبان حمل‌گرفته بودند، برای سقط به بخش نسایی - ولادی این شفاخانه شب‌هنگام انتقال داده شدند.» به سخن او، بیشتر این زنان در سه ماه اول بارداری سقط جنین کردند و دوباره به زندان منتقل شدند.

وضعیت زندانیان زن در سمنگان

منابع در مدیریت عمومی محبس سمنگان به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در یک سال گذشته ۳۴ زن به ظن ارتکاب جرایم جنایی توسط نیروهای طالبان بازداشت و به این زندان منتقل شده‌اند. در این میان ۱۲ زندانی را زانی شکل می‌دهند که اقرارشان برای دیدار و یا تعقیب پرونده‌های آنان مراجعہ نکرده‌اند. این ۱۲ زن در هفت ماه گذشته بدون این که پرونده‌های‌شان تعقیب شود، در وضعیت ناروشن در این زندان به سر می‌برند.

براساس چارت تشکیلاتی فرماندهی امنیه سمنگان، ۱۰ پولیس زن امور زندان زنانه این ولایت را مدیریت می‌کنند؛ اما منابع توضیح می‌دهند که تنها سه زن در این زندان مصروف تلاشی بدنی مراجعان و صفاکاری‌اند و نقش مهمی در اداره این زندان ندارند. به سخن منبع، این منسوبان زن به دلیل نداشتن محرم شرعی از طرف شب وظیفه انجام نمی‌دهند و شب‌ها زندان از سوی نیروهای مذکر طالبان اداره می‌شود.

منابع در شفاخانه ولایتی سمنگان می‌گویند که در شش ماه اخیر هفت زندانی زن که در اثر شکنجه بدنی و تجاوز جنسی دچار خون‌ریزی شدید شده بودند، از سوی نیروهای طالبان برای مداوا به این شفاخانه آورده شده‌اند. همچنان یک داکتر زن می‌افزاید که در این مدت سه زن حامله برای سقط جنین توسط طالبان به این مرکز صحنی منتقل شده‌اند.

روایت زندانی رهاشده

یکی از زندانیان زن که مدتی پیش از زندان طالبان در سمنگان آزاد شده، از تجاوز جنسی فرمانده و نیروهای این گروه حکایت دارد. فرشته (نام مستعار) دو سال قبل با یکی از بسته‌گانش از شهر ایبک، مرکز سمنگان، به سوی کابل در حرکت بود. او در کمربند امنیتی طالبان در روستای رباطک که در امتداد ولایت سمنگان و بغلان واقع شده است، به اتهام فساد اخلاقی توسط نیروهای طالبان بازداشت شد. در اصل مقصد فرشته از سفر به کابل، فرار از کشور بود. او می‌خواست از طریق پروازهای میدان هوایی کابل، کشور را ترک کند.

تلاش‌های فرشته بیست‌ساله اما برای ترک کشور به ناکامی انجامید و او سرانجام پس از بازداشت توسط نیروهای طالبان، مدت دو هفته را در نظارت‌خانه فرماندهی امنیه شهر ایبک سپری کرد. به گفته او، در آن مدت از سوی نیروهای طالبان شب‌هنگام سه تا هفت

مرتبه مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و سپس به محبس مرکزی ولایت سمنگان منتقل شده است.

این دختر جوان مدت هفت ماه را در زندان مرکزی سمنگان سپری کرده و روایت‌های دلخراشی از تجاوز و سوءاستفاده‌های جنسی طالبان از زندانیان زن را بازگو می‌کند. فرشته می‌گوید که پس از تجاوز نیروهای طالبان در نظارت‌خانه فرماندهی امنیه شهر ایبک بر او، چیزی برای از دست دادن نداشت و در زندان مرکزی سمنگان به هر خواست نیروهای طالبان از روی مجبوری لبیک می‌گفت. به سخن او، زندانیانی که به‌تازگی به زندان منتقل می‌شدند، پس از بارها تجربه لت‌وکوب و شکنجه فیزیکی حاضر می‌شدند خود را برای فراهم ساختن خواست‌های جنسی نیروهای طالبان آماده بسازند؛ زیرا به گفته فرشته، این زندانیان زن به جز تسلیم شدن گزینه دیگری نداشتند.

فرشته در ادامه روایت تلخش از زندان می‌افزاید که در مدت هفت ماه حبس دست‌کم چهار زندانی زن که باشندگان ولایت‌های بغلان، بلخ و جوزجان بودند، از سوی نیروهای طالبان تیرباران شده‌اند. فرشته توضیح می‌دهد که این زنان به اتهام فساد اخلاقی از مربوطات ولایت سمنگان بازداشت شده بودند و خانواده‌های‌شان از سرنوشت آنان اطلاعی نداشتند. به گفته او، این زنان شب‌هنگام برای رفع نیازهای جنسی به خانه فرماندهان ارشد طالبان منتقل می‌شدند، اما سرانجام به وضعیت بد صحنی رسیدند و طبق هدایت مدیر محبس در جریان ۱۵ روز با ضرب گلوله کشته شدند. خانم فرشته خبر کشته شدن آنان را زیر عنوان «کشف اجساد مجهول‌الیهویت» در داخل زندان شنیده است.

فرشته در نهایت با پادرمیانی یکی از فرماندهان طالبان براساس یک معامله، از زندان رها شده است. این دختر جوان توضیح می‌دهد که در بدل رهایی‌اش از زندان، یک نمره زمین شخصی خود به ارزش بیش از ۳۰۰ هزار افغانی را به یکی از مقام‌های باصلاحیت طالبان داده است. فرشته پس از هفت ماه تجربه زندان، رها شده و دور از خانواده در یکی از ولایت‌های دیگر کشور زنده‌گی می‌کند.

شماری از مراجعہ‌کننده‌گان به محبس سمنگان روایت‌های مشابهی دارند. لیلما (نام مستعار) زن ۳۱ ساله و یکی از مراجعان زندان زنانه در سمنگان است. لیلما در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که خواهرش به اتهام همکاری برای فرار دختر همسایه از منزل، در این محبس زندانی شده است. خواهر ۲۶ ساله لیلما حدود هفت ماه پیش بازداشت شده و لیلما ماهانه یک مرتبه به دیدار او به محبس می‌رود.

لیلما می‌افزاید که در هفت ماه گذشته پرونده خواهرش به محکمه محول نشده است. طالبان از لیلما و خانواده‌اش می‌خواهند که دختر همسایه را پیدا کنند؛ کسی که به گفته او روشن نیست با چه کسی از خانه فرار کرده است. خواهر لیلما تایید کرده است که نیروهای طالبان شب‌هنگام شماری از دختران جوان و زنان را بیرون از زندان منتقل می‌کنند. به سخن او، این زنان پیش از طلوع خورشید دوباره وارد زندان می‌شوند.

وضعیت زندانیان زن در جوزجان

در حال حاضر ۲۰ زن در زندان ولایت جوزجان زندانی‌اند. هویت و شهرت این زندانیان مشخص نیست و همچنان روشن نیست که به اتهام ارتکاب چه جرایمی زندانی شده‌اند. براساس اطلاعات منابع، این زنان نیز با وضعیت مشابه زندانیان زن در فاریاب و سمنگان به سر می‌برند. پرونده بیشتر آنان به محاکم فرستاده نمی‌شود. از میان زندانیان تنها زنان انگشت‌شماری آن هم براساس تفاهم یا پرداخت پول گزاف، توانسته‌اند از زندان آزاد شوند.

رقابت بر سر مالکیت طالبان



محمدعلی نظری

و مالی خارجی، این گروه نیز تلاش می‌کند تا میان دو ابرقدرت متخاصم (امریکا و روسیه) طوری رفتار کند که دل هیچ‌کدام نرنجد. برای همین، هم به مسکو وعده می‌دهد که اجازه استفاده تروریستان از خاک افغانستان علیه روسیه و متحدان آن کشور را نمی‌دهد و هم وعده مشابهی به امریکا می‌دهد، هرچند به هیچ‌یک عمل نمی‌کند. با این حال، روسیه به دلیل حمایت‌هایی که از طالبان کرده و به آن‌ها تریبون داده، هنوز طوری وانمود می‌کند که سهمی در رژیم این گروه دارد و بابت آن احساس مالکیت می‌کند.

ایران

ایران که در دوران جمهوریت به قولی شورای مشهد طالبان را تشکیل داده و از آن حمایت می‌کرد، کمپ‌های تمرینی و تعلیمی برای اعضای این گروه فراهم کرده بود و از برخی رهبران آن‌ها میزبانی می‌کرد، نیز نسبت به طالبان حس مالکیت دارد. هرچند حضور طالبان در ایران به صورت رسمی پذیرفته نشده، اما این حضور رد هم نشده است. جواد ظریف، وزیر خارجه ایران در دولت حسن روحانی، در مصاحبه با طلوع نیوز در پاسخ به پرسشی در مورد حضور رهبران طالبان در ایران گفت: «من از چنین چیزی اطلاع ندارم. ممکن است افرادی که با طالبان ارتباط داشته باشند، در ایران رفت‌وآمد داشته باشند، اما این که در ایران مقرر داشته باشند، یا قرارگاهی داشته باشند، حتماً چنین چیزی وجود ندارد.» این‌جا ظریف فقط وجود قرارگاه نظامی طالبان در خاک ایران را رد می‌کند، اما در مورد حضور رهبران طالبان اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. با این حال او در همین مصاحبه حضور ملا اخترمحمد منصور، رهبر پیشین طالبان، در ایران را می‌پذیرد، اما می‌گوید که این سفر «عبوری» بوده است.

پس از سقوط جمهوریت، ایران نیز حضور دیپلماتیک خود در افغانستان را حفظ کرده، نماینده‌گان طالبان را به عنوان دیپلمات پذیرفته و سفارت افغانستان در تهران را به این گروه واگذار کرده است. همان وعده جلوگیری از استفاده خاک افغانستان برای حمله بر کشورهای دیگر، به ایران هم داده شده است؛ اما تهران به رغم این‌که تهدید داعش را در بیخ گوشش حس می‌کند، طالبان را بیش از آن مدیون خود می‌داند که با چنین وعده‌هایی بشود تسویه حساب کرد. پیش از سقوط جمهوریت، بارها در مورد حمایت تسلیحاتی ایران از طالبان نیز گزارش شد، از جمله شش ماه پیش از تسلط طالبان بر کشور تک‌تیراندازهای ایرانی و حتا لباس نظامی سپاه پاسداران در هرات از یک قرارگاه طالبان به دست نیروهای امنیتی افغانستان افتاد. ایران اکنون در بدل آن همه خدمات، چیزی بیشتر از وعده مبارزه با داعش می‌خواهد. این کشور مانند روسیه از رهبران طالبان هم در خفا و هم آشکارا میزبانی کرد و اکنون نیز روابط نزدیکی دارد و بنابراین، شبیه روسیه طالبان را قرضدار خود می‌داند.

پاکستان؛ مدعی اصلی

همسایه دیگر و مدعی اصلی حق مالکیت بر طالبان، پاکستان است. این کشور از طرح تا ایجاد و سپس تقویت طالبان و پس از فروپاشی «امارت اول» میزبانی از هزاران طالب و سپس تریبون دادن و حمایت‌های دوام‌دار از این گروه تا برگشت دوباره به قدرت، درگیر مساله طالبان بوده و بنابراین خود را مالک اصلی این گروه می‌داند. در نخستین روزهای تسلط طالبان بر کابل که میان جناح‌های مختلف این گروه بر سر قدرت نزاع پیش آمد، جنرال فیض حمید، رییس سازمان استخبارات ارتش پاکستان (ISI) به کابل سفر کرد و به توزیع چوکی‌ها میان رهبران طالبان پرداخت. جنرال حمید در سنبله ۱۴۰۰ به کابل آمد، در هتل سرینا اقامت گزید و با رهبران طالبان ملاقات کرد. او هدفش از این سفر را حل مساله عبور مهاجران از مرز دو کشور و حمایت فنی از میدان‌های هوایی افغانستان زیر کنترل طالبان اعلام کرد، اما بر کسی پوشیده نیست که برای چنین مأموریتی رییس استخبارات را هیچ کشوری نمی‌فرستد.

ادامه در صفحه ۶

می‌شود.

ایالات متحده امریکا

امریکا با تزریق بسته‌های دالر، به نحوی زمینه بقای طالبان را فراهم می‌آورد؛ به این دلیل که بخشی از آن‌چه به نام کمک‌های بشردوستانه به افغانستان زیر کنترل طالبان واریز می‌شود، به جیب رهبران طالبان می‌رود و بخشی دیگر به نام افراد مستحق، به جنگ‌جویان این گروه توزیع می‌شود. از سوی دیگر، با همین بسته‌ها، معاش داکتران و معلمان در سراسر کشور پرداخت می‌شود که خود کمکی بزرگ به خزانه رژیم طالبان است. سیگار یا اداره بازرسی ویژه امریکا در امور بازرسی افغانستان، هم به سنای این کشور گفته است که ممکن است کمک‌های آن‌ها ناخواسته طالبان را تقویت کند. با این حال، برخی از تحلیل‌گران به این باورند که این کمک‌ها طالبان را از لحاظ مالی به امریکا وابسته نگه می‌دارد و این وابستگی آن‌ها را به نحوی به کنترل ایالات متحده درمی‌آورد؛ کشوری که متهم به طرح ایجاد طالبان در هماهنگی با انگلیس و پاکستان به هدف تامین امنیت خط لوله نفت و گاز آسیای میانه به آسیای جنوبی با دخالت‌های شرکت نفت یونیکال است. حتا گفته می‌شود که در دوره اول طالبان، کریس تاکریت، یکی از مسوولان شرکت یونیکال، از دولت امریکا خواسته بود تا رژیم طالبان در افغانستان را به رسمیت بشناسد.

روسیه

این کشور طی ۲۰ سال حضور امریکا در افغانستان، به‌آرامی کار می‌کرد و در اوایل سروصدای زیادی نداشت، اما در واپسین سال‌های جمهوریت، ارتباط خود با طالبان را آفتابی کرد، از رهبران این گروه در مسکو میزبانی نمود و به آن‌ها تریبون داد. بحث فراهم کردن اسلحه برای طالبان توسط روسیه نیز مطرح است. باری جنرال جان نیکولسون، فرمانده نیروهای امریکا در افغانستان، در سال ۲۰۱۸ گفت، به آن‌ها ثابت شده که روسیه برای طالبان سلاح فراهم می‌کند و آن را از مرز تاجیکستان به صورت قاچاق وارد افغانستان کرده در اختیار این گروه قرار می‌دهد.

وقتی مذاکرات دوحه جریان داشت، نیز مسکو از رهبران طالبان و برخی رهبران سیاسی مخالف با دولت اشرف غنی میزبانی کرد. پس از تسلط طالبان بر کشور، روسیه از معدود کشورهایی است که سفارت خود در کابل را باز نگه داشته و دیپلمات‌های طالبان را پذیرفته است، هرچند پس از حمله داعش بر این سفارت و کشته شدن دو دیپلمات روسی، به صورت موقت آن را بسته است. تلاش‌های روسیه به این هدف است که طالبان را از کنترل امریکا دور نگه دارد. در دو دهه گذشته جمهوری اسلامی افغانستان از دسترس روسیه تا حد زیادی به دور بود، اما اکنون مسکو در صدد جبران است.

با توجه به ضرورت طالبان به حمایت‌های سیاسی

سازمان‌های استخباراتی نمی‌تواند به یک‌باره گی گروهی مانند طالبان را به وجود آورد. تا زمان تشکیل طالبان، کشورهای زیادی از احزاب اسلامی حمایت می‌کردند که دانه‌درشت‌های آن‌ها امریکا، عربستان، پاکستان و ایران بودند. حمایت از این احزاب، جامعه را به سمت افراط‌گرایی کشانده بود. از درون چنین جامعه‌ای، طالبان با طرح امریکا و انگلستان، مدیریت پاکستان و پول عربستان ظهور کردند و بسیار سریع کشور را در کنترل گرفتند. ملا عمر، بنیان‌گذار و نخستین رهبر این گروه، قبلاً عضویت حزب حرکت انقلاب اسلامی را داشته و از فرماندهان این گروه بوده است.

طالبان در اوایل، تظاهر می‌کردند که به قدرت و حکومت علاقه‌ای ندارند، اما پس از تسلط بر کشور در سال ۱۹۹۶، کل قدرت را در انحصار خویش درآوردند و نظامی به نام «امارت اسلامی» ایجاد کردند. این امارت فقط از سوی سه کشور حامی طالبان به رسمیت شناخته شد: عربستان، امارات متحده عربی و پاکستان. وقتی کم‌کم امریکا و هم‌پیمانانش به دلیل حضور بن‌لادن در افغانستان زیر کنترل طالبان با این گروه مخالف شدند، پاکستان در حالی که متحد امریکا بود، با راه انداختن یک بازی دوگانه، از حمایت طالبان دست نکشید. وقتی هم اوضاع به سمتی رفت که «امارت اول طالبان» باید سقوط می‌کرد، در این سقوط همکاری کرد. پس از آن که طالبان از قدرت برافتادند، به مناطق مرزی پاکستان آواره شدند و دو دهه کامل از حمایت‌های ارتش این کشور برخوردار بودند. در آن مدت، آرایش جدید گرفتند و کشورهای مختلفی با تریبون دادن به این گروه و حتا حمایت مالی و تسلیحاتی از آن‌ها، زمینه ورود مجدد آن‌ها به کابل را فراهم آوردند. حالا که نزدیک به دو سال از حاکمیت طالبان بر افغانستان می‌گذرد، خانواده‌های بسیاری از رهبران این گروه هنوز در پاکستان، قطر و امارات متحده عربی‌اند و حتا گفته می‌شود که وزیر دفاع طالبان برای ملاقات خانواده‌اش با هوایمی‌نظامی پاکستان به کراچی سفر می‌کند. این مساله، پاکستان را هنوز به عنوان مدعی اصلی مالکیت بر طالبان حفظ کرده است.

چه کشورهایی از طالبان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حمایت می‌کنند؟

همان طوری که وحید مزده گفته است، حرکت‌های نظامی بدون حمایت مالی و استخباراتی خارجی نمی‌توانند ایجاد شوند و به حیات‌شان ادامه دهند. طالبان نیز این حمایت را از سوی چندین کشور به دست می‌آورند. امریکا و هند به صورت غیرمستقیم و چین، روسیه، ایران، پاکستان، قطر و تا حدی اوزبیکستان به صورت مستقیم از این گروه حمایت می‌کنند. هرکدام از این کشورها، روش خود را دارد؛ یکی با ارسال بسته‌های دالر، دیگری با تعامل مستقیم با طالبان و سومی هم با لابی‌گری در سطح جهانی برای این گروه. به چند کشور در ذیل پرداخته

مزده از حزب اسلامی به رهبری حکمتیار به عنوان نمونه برجسته حرکت نظامی با حمایت خارجی‌ها یاد می‌کند و می‌گوید که در دوره‌ای، این حزب بیشترین کمک‌های خارجی را به خود اختصاص می‌داد. او می‌گوید که حرکت نظامی طالبان نیز از این قاعده مستثنا نیست، بلکه با حمایت کشورهای خارجی و دست‌هایی از خارج کشور، ایجاد شده و به حیاتش ادامه داده است.

وحید مزده کتاب «افغانستان در پنج سال سلطه طالبان» را با این جملات شروع می‌کند: «کسانی که جریانات سیاسی افغانستان از کودتای ثور ۱۹۷۸ تا امروز را شاهد بوده‌اند، به خوبی می‌دانند که هیچ حرکت نظامی بدون پشتوانه و حمایت خارجی و دخالت دست یا دست‌هایی از بیرون، مجال تبارز (بروز) و عمل در افغانستان را نداشته است. این جریانات تا آن زمان به حیات و موجودیت خویش در صحنه بحران افغانستان ادامه داده‌اند که این حمایت برقرار بوده و با ختم حمایت خارجی، چون حباب در تلاطم موج‌های بحران از هم پاشیده و از میان رفته‌اند.» (مزده، ۱۳۸۱: ۱۹) مزده از حزب اسلامی به رهبری حکمتیار به عنوان نمونه برجسته حرکت نظامی با حمایت خارجی‌ها یاد می‌کند و می‌گوید که در دوره‌ای، این حزب بیشترین کمک‌های خارجی را به خود اختصاص می‌داد. او می‌گوید که حرکت نظامی طالبان نیز از این قاعده مستثنا نیست، بلکه با حمایت کشورهای خارجی و دست‌هایی از خارج کشور، ایجاد شده و به حیاتش ادامه داده است.

این اتهام که طالبان ساخته و پرورده امریکا، پاکستان و انگلستان است، همواره بر این گروه وارد بوده است. به گفته مزده، حکمتیار اولین کسی بود که طالبان را به نوکری برای بیگانه‌گان متهم کرد و در ۲۱ نوامبر ۱۹۹۴ پس از سقوط قندهار به دست طالبان، ظهور این گروه را «توطیه خارجی» دانست. (همان) بعدها بی‌ظنیر بوتو، نخست‌وزیر وقت پاکستان، نیز تایید کرد که طالبان یک پروژه مشترک امریکا، انگلستان و سازمان استخبارات ارتش پاکستان (ISI) است. (همان، ص ۲۰) ویلیام ویلی هم در کتاب «افغانستان، طالبان و سیاست‌های جهانی» نوشته است که طالبان مورد حمایت شدید بی‌ظنیر بوتو، نخست‌وزیر وقت پاکستان، قرار داشتند. واقعیت این است که بدون زمینه‌های داخلی، تلاش

افغانستان همچنان در صدر فهرست فلج کودکان قرار دارد

امین کاوه

افغانستان در کنار بحران فقر و گرسنگی، با بحران صحتی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کند. عدم کارایی نظام صحتی، رعایت نکردن تدابیر پیش‌گیرانه از شیوع بیماری‌های همه‌گیر و کاهش کمک‌های بشردوستانه از عوامل اساسی این بحران خوانده می‌شوند. طالبان در جریان ۲۱ ماه گذشته حضور زنان در عرصه عرضه خدمات صحتی را محدود کرده‌اند و این امر دسترسی زنان به خدمات صحتی را به شدت کاهش داده است. عدم حضور زنان در کارزارهای محو پولیو نیز بر این بحران افزوده است. وزارت صحت عامه زیر اداره طالبان تایید می‌کند که یک واقعه فلج کودکان (پولیو) به‌تازگی در ولایت ننگرهار ثبت شده است. قربانی این واقعه یک کودک چهارساله است که در یکی از شفاخانه‌های پاکستان تشخیص شده است. با این حال کمپین فرعی واکسیناسیون فلج کودکان (پولیو) در کشور راه‌اندازی شده است. گفته می‌شود که در این دوره ۶.۴ میلیون کودک در افغانستان واکسین خواهند شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مدت پنج سال گذشته بیش از ۹۰ واقعه پولیو در کشور به ثبت رسیده است. پزشکان می‌گویند که پولیو یک بیماری ویروسی حاد و فوق‌العاده ساری است که اکثراً کودکان زیر سن پنج سال را مصاب می‌سازد.

وزارت صحت عامه زیر اداره طالبان، روز شنبه، ۲۲ ثور، با نشر خبرنامه‌ای از ثبت یک واقعه پولیو در ولسوالی بتی کوت ولایت ننگرهار خبر داده است. پیش از این رسانه‌های پاکستانی گزارش داده بودند که یک واقعه مثبت پولیو در یکی از شفاخانه‌های این کشور به ثبت رسیده که حامل آن یک کودک چهارساله و شهروند افغانستان است. با این حال، وزارت صحت زیر اداره طالبان گفته است که خطر ابتلا به این ویروس در افغانستان به‌طور کامل از بین نرفته و احتمال واقعات مثبت پولیو در ولایت‌های شرقی به‌ویژه ننگرهار وجود دارد. در بیانیه خبری این وزارت آمده که کارزار تطبیق واکسیناسیون پولیو از روز دوشنبه، ۲۵ ثور، آغاز شده و در جریان چهار روز در ۲۱۷ ولسوالی کشور ادامه خواهد داشت. براساس این بیانیه خبری، ۲۳ ولایت شامل تطبیق این دور تطبیق کمپین واکسین پولیو خواهند بود. در این خبرنامه همچنان گفته شده که در این کارزار چهار روزه، ۶.۴ میلیون کودک در افغانستان واکسین خواهند شد.

در همین حال، داکتر نیک‌ولی‌شاه مومن، مسوول مرکز ملی اضطراری عملیاتی محو فلج کودکان، به رسانه‌ها گفته است که با تطبیق کارزارهای دوام‌دار واکسین

افغانستان همچنان در صدر فهرست



می‌توان این ویروس را در کشور محو کرد. او تایید کرده که یک واقعه پولیو در ولایت ننگرهار به ثبت رسیده و بیمار یک کودک چهارساله است. این در حالی است که در سال گذشته میلادی، دو مورد مثبت فلج کودکان در ولایت‌های پکتیکا و کنر به ثبت رسیده بود. افغانستان، پاکستان و نیجریا در جهان از جمله کشورهایی‌اند که واقعه‌های پولیو در آن‌ها به ثبت رسیده است. در حالی که در کشورهای دیگر جهان این ویروس با توجه به تدابیر پیش‌گیرانه واکسین، محو شده است. مردم افغانستان به دلیل باورهای سنتی در شماری از مناطق روستایی از تطبیق واکسین پولیو خودداری می‌کنند و این امر باعث شیوع امراض گوناگون در روستاها می‌شود.

واقعات مثبت پولیو در پنج سال گذشته در افغانستان

براساس آمارهای ارائه‌شده از سوی وزارت صحت عامه که در حال حاضر زیر کنترل طالبان فعالیت می‌کند، از سال ۲۰۱۸ میلادی تاکنون ۹۰ کودک به این بیماری مبتلا شده‌اند. آمار وقایع ثبت پولیو در کشور نشان می‌دهد که ۲۱ کودک در سال ۲۰۱۸ و هشت کودک در سال ۲۰۱۹ به این بیماری مبتلا شده‌اند. ۵۶ واقعه در سال ۲۰۲۰ و چهار مورد در سال ۲۰۲۱ از موارد مثبت فلج پولیو در کشور می‌باشد. با این حال دو واقعه مثبت فلج کودکان (پولیو) در سال ۲۰۲۲ ثبت شد و در تازه‌ترین مورد یک کودک چهارساله در ولسوالی بتی کوت ولایت ننگرهار به بیماری فلج مبتلا شده‌اند. این در حالی است که آمارهای منتشرشده از سوی روزنامه ۸صبح نشان می‌دهد که در سال گذشته خورشیدی شش مورد ابتلا به فلج کودکان در ولایت‌های ننگرهار و کنر به ثبت رسیده است.

چرا واکسین پولیو تطبیق نمی‌شود؟

فعالان عرصه صحت در کشور می‌گویند در صورتی که کمپین‌های واکسیناسیون در چندین دهه گذشته در کشور به‌شکل درست تطبیق می‌شد، این ویروس از کشور محو می‌گردید. آنان نبود اطلاع‌رسانی به‌موقع را از عوامل ناکامی در کمپین‌های پولیو می‌دانند. به گفته آنان، مردم با توجه به باورهای سنتی معتقدند که تطبیق واکسین باعث نابروزی می‌شود و از واکسین

کودکان خود سر باز می‌زنند. یکی از پزشکان در کابل که نمی‌خواهد نامش در این گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «کم‌کاری وزارت صحت عامه باعث عدم محو این بیماری شده است. حالا که حکومت مالاها است، باید از طریق مساجد و منابر برای تطبیق این کمپین تبلیغ کنند؛ اما متأسفانه این‌ها [طالبان] این کار را نمی‌کنند. بی‌سوادی و فقر از عوامل دیگری است که پولیو در کشور ریشه کن نمی‌شود.»

این داکتر توضیح می‌دهد: «محدودیت‌های طالبان بر کار زنان سبب شده که زنان جرئت حضور در این کمپین را کمتر پیدا کنند. واکسیناتوران زن مجبورند محرم داشته باشند. وقتی یک زن محرم نداشته باشد، با شرایط برابر نیست. این خودبه‌خود دسترسی به خدمات صحتی را کاهش می‌دهد. جامعه افغانستان هم سنتی است. وقتی واکسیناتور زن نباشد، کسی حاضر نیست زنش را با کودک خردسال پیش یک مرد بفرستد. بحث دیگر عدم آگاهی از شیوع ویروس و مراقبت از کودکان است. اکثریت مردم حفظ‌الصحه را رعایت نمی‌کنند، به واکسین کردن باور ندارند و حتا واکسین را حرام می‌پندارند. با چنین وضعیتی، ما شاهد ده‌ها مورد ثبت این وقایع خواهیم بود. کما این که هستیم؛ چون اطلاع‌رسانی و مراجعه به داکتر محدود است و ثبت واقعه‌ها محدود گزارش می‌شود. وقایع مثبت به‌مراتب زیادتر است.»

پیش از این افراد طالبان در ولایت‌ها و ولسوالی‌های زیر کنترل‌شان به واکسیناتوران اجازه نمی‌دادند تا واکسین پولیو را تطبیق کنند. براساس گزارش‌ها، چندین واکسیناتور در ولایت‌های مختلف کشور توسط افراد طالبان و گروه‌های تروریستی دیگر به قتل رسیده‌اند. طالبان اما به‌تازگی اعلام کرده‌اند که واکسیناتوران زن با محرم و حجاب شرعی در کمپین‌های واکسیناسیون شرکت کنند.

با این حال، ابتکار جهانی ریشه‌کنی فلج کودکان (The Global Polio Eradication Initiative) گفته است که افغانستان تحت تاثیر انتقال مداوم ویروس فلج کودکان از گونه وحشی بومی آن قرار دارد. این نهاد که با شش شریک رهبری می‌شود، افزوده است که برای دستیابی آخرین کودک در افغانستان به واکسین، نظارت و حفظ تعهد سیاسی، منابع مالی و حمایت فنی را در همه

سطوح متمرکز خواهد کرد.

این در حالی است که بیل گیتس، مالک شرکت مایکروسافت، روز دوشنبه، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲، به نشریه «تلگراف» امریکایی گفته است که برای کمک به ریشه‌کن کردن بیماری فلج کودکان حاضر است با طالبان نیز دیدار کند. آقای گیتس افزوده است: «راستش را بخواهید، نمی‌دانم که آیا حساسیتی در مورد آن وجود دارد یا خیر. من تقریباً هر کاری برای کمک به کمپین فلج کودکان انجام می‌دهم؛ این اولویت اصلی بنیاد بیل و ملیندا گیتس است.» او پیش از این اظهارات، در دیدار با عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان، نیز متعهد شده بود که برای محو پولیو در افغانستان و پاکستان کار می‌کند. براساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، این کشور در سال ۲۰۲۱ میلادی تنها یک واقعه ابتلا به پولیو داشته، در حالی که واقعات مثبت این ویروس در سال گذشته میلادی در پاکستان به ۲۰ مورد رسیده بود.

فلج کودکان چیست و چگونه انتقال می‌یابد؟

سازمان صحتی جهان می‌گوید که فلج کودکان (پولیو) یک بیماری ویروسی است. براساس گفته‌های این نهاد، این ویروس معمولاً کودکان زیر سن پنج سال را مبتلا می‌سازد. این بیماری علائم مشخصی ندارد. کارشناسان صحتی می‌گویند که علائمی شبیه ریزش در این بیماری نیز دیده می‌شود. به گفته آنان، تب بالا، سردردی، گلودردی و تهوع از علائم مشترک این بیماری با ریزش و انفولنزا است.

در همین حال، سازمان صحتی جهان در مورد سرایت پولیو گفته است: «ویروس از طریق فرد به فرد عمدتاً از طریق مدفوع - دهانی یا در موارد کمتر از طریق یک منتقل‌کننده معمولی (مثلاً آب یا غذای آلوده) منتقل می‌شود و در روده تکثیر می‌یابد و از آن‌جا می‌تواند به سیستم عصبی حمله کند و باعث فلج شدن شود.»

سازمان صحتی جهان در سال ۱۹۸۸ میلادی قطع‌نامه‌ای را برای ریشه‌کن‌سازی جهانی فلج کودکان به تصویب رساند. تصویب این قطع‌نامه تعهد و ابتکار جهان را برای ریشه‌کن کردن فلج کودکان نشان می‌دهد. این قطع‌نامه توسط دولت‌ها، سازمان صحتی جهان، مراکز کنترل و پیش‌گیری از بیماری‌های ایالات متحده (CDC)، روتاری بین‌المللی (Rotary International) و یونیسف (UNICEF) مورد پشتیبانی قرار گرفته که بعداً بنیاد بیل و ملیندا گیتس و گاوی (Bill & Melinda Gates Foundation and Gavi, the Vaccine Alliance)) نیز به اتحاد واکسین پیوسته‌اند.

کمپین واکسین پولیو در حالی در افغانستان آغاز می‌شود که هنوز آمار دقیق مبتلایان این بیماری در کشور آرایه نشده است. با توجه به فقر گسترده، مشکلات اقلیمی، عدم دسترسی به غذای صحتی و کامل و واکسین نشدن کودکان در شماری از مناطق، پولیو همچنان کودکان را در کشور در معرض تهدید قرار داده است.

از صفحه ۳

در زندان‌های زنانه...

با تلاش‌های فراوان نتوانستیم از منابع موثق اطلاعات بیشتری در این باره به دست بیاوریم؛ اما یک منبع در شفاخانه مرکزی ولایت جوزجان تایید می‌کند که در یک سال گذشته دست‌کم ۱۵ زن از زندان زنانه جوزجان پس از شکنجه جسمی برای درمان به این مرکز صحتی منتقل شده‌اند. به گفته این منبع، از این میان شش زن پس از تجاوز جنسی به بخش نسایی - ولادی این مرکز درمانی منتقل شده‌اند. منبع می‌افزاید که طالبان این زنان را به شفاخانه آورده‌اند و در جریان چهار تا هفت روز بستری، نیروهای طالبان از آنان محافظت می‌کردند. این منبع توضیح می‌دهد که طالبان اجازه ترتیب دوشویه و ثبت بیماران در کتاب وقایع روزانه شفاخانه را ندادند.

تجاوز جنسی بر زندانیان زن، بحث تازه‌ای نیست. در بیست سال گذشته نیز در مواردی گزارش شد که شماری از زنان زندانی، با بدرفتاری فزینگی در زندان‌ها روبه‌رو شده‌اند.

زندانیان زن در ولایت‌های فاریاب، سمنگان و جوزجان در حالی با این وضعیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند که عدم پیروی طالبان از قانون سبب شده برای شمار زیادی از این زندانیان پرنده ترتیب نشود و پرونده‌های عده دیگر آنان جهت حل‌وفصل به محکمه محول

تجاوز جنسی و ازدواج اجباری برای ایجاد وحشت در بین زنان افغان استفاده کرده است. در گزارش این وب‌سایت خبری ماجرای دو دختر نوجوان که اخیراً از اسارت طالبان فرار کرده‌اند، آمده است. مریم، هم‌هنگ‌کننده یک کلینیک سیار که از سوی یک نهاد امریکایی حمایت می‌شود، روایت تلخی از دو دختر جوان افغان را حکایت می‌کند که از سوی نیروهای طالبان هر شب مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند. به گفته مریم، این دو دختر جوان با حفظ هویت‌شان به نام‌های مستعار فرشته و انیسه پس از لت‌وکوب و اختطاف، از سوی نیروهای طالبان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند.

طبق این گزارش، فرشته ماه‌های پیش از امروز از سوی جنگ‌جویان طالبان در ولایت پروان ربوده شد. یکی از جنگ‌جویان طالبان قصد داشت با او ازدواج کند، اما پس از مخالفت او، چند شبی که در قید این جنگ‌جویان طالبان در خانه‌ای زندانی بود و هر شب توسط چندین تن از نیروهای طالبان مورد تجاوز جنسی قرار می‌گرفت. او اما سرانجام به کمک زنی که در این خانه آب و غذا تهیه می‌کرد، موفق به فرار شده است.

همچنان انیسه دختر جوان دیگری است که در ماه حوت سال گذشته خورشیدی از سوی جنگ‌جویان طالبان از ولایت کاپیسا ربوده شده است. انیسه در جریان حدود ۲۰ شبی که نزد جنگ‌جویان طالبان بندی بود، چندین مرتبه مورد تجاوز جنسی قرار

گرفت.

این دو دختر سرانجام برای درمان به کلینیک سیار رایگان مراجعه کردند و اکنون در یکی از خانه‌های امن زیر مراقبت‌های صحتی قرار دارند. این کلینیک سیار از سوی نهاد «Flanders Fields» حمایت مالی می‌شود. وب‌سایت خبری امریکایی به نقل از هم‌هنگ‌کننده این کلینیک سیار نوشته است که فرشته و انیسه پس از فرار از چنگ طالبان در مراحل اولیه بارداری قرار دارند. روزنامه ۸صبح به‌گونه مستقل این دو رویداد اخیر در ولایت‌های پروان و کاپیسا را تایید نتوانسته است.

این در حالی است که از این پیش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در ۱۵ سنبله سال گذشته گزارش مفصلی از وضعیت حقوق بشری در افغانستان منتشر کرد. ریچارد بنت، گزارش ویژه سازمان ملل در افغانستان، در این گزارش از شکنجه و بازداشت‌های خودسر طالبان، آزاروآذیت، محاکمه‌های صحرایی و مبدل شدن خانه‌های فرماندهان طالبان به زندان‌های شخصی ابراز نگرانی کرده است. این گزارش ضمن اشاره به وجود زندان‌های خصوصی در خانه‌های فرماندهان طالبان، شکنجه‌ها و کشتارهای غیرقانونی را نیز تایید کرده است. گزارشگر ویژه سازمان ملل می‌گوید که پس از لغو قانون اساسی افغانستان در پی تسلط طالبان بر افغانستان، «هیچ قانونی در این کشور وجود ندارد و هر یک از افراد طالبان با تعبیر و تفسیر شخصی خود از شریعت اسلامی، دستور می‌دهد.»

قطر،

کشوری کوچک، بازیگری بزرگ



شجاع‌الدین امینی

قطر کشوری کوچک در حاشیه خلیج فارس است. نه جمعیت زیاد دارد و نه هم سرزمین وسیع. این در حالی است که کثرت جمعیت و وسعت سرزمین برای پیمایش قدرت دولت‌ها به‌طور سنتی معیارهای اصلی به‌شمار می‌رود. قاعدتا به هر پیمانۀ که دولتی از سرزمین و جمعیت وسیع برخوردار باشد، به همان پیمانۀ ظرفیت قدرت‌مند خوانده شدن را دارد. البته همواره چنین نبوده و بسیاری کشورهای پهناور و پرنفوسی که فاقد قدرت سیاسی و اقتصادی لازم برای اداره امور داخلی‌اند، چه رسد به اعمال نفوذ خارجی. در عین حال، کشورهای دارای سرزمین کوچک و نفوس کم، از گذشته‌های دور تا امروز توانسته‌اند چون قدرت منطقه‌ای و گاه بین‌المللی ظهور کنند. دولت‌شهرهای یونان و روم باستان مثال‌های باستانی‌اند و مثال‌های

معاصر از دولت‌شهرها و سرزمین‌های کوچک اما بسیار پرقدرد نیز به قدر کافی داریم. هالند، اسرائیل، امارات متحده عربی، قطر و سنگاپور از جمله کشورهای کوچک و کم‌نفوسی‌اند که از قدرت سیاسی و اقتصادی بسیاری برخوردارند. قدرت فعلی قطر نه‌تنها محصول جمعیت زیاد و سرزمین وسیع نیست، بلکه اگر این دو عنصر را معیار پیمایش قدرت این کشور قرار دهیم، در مقایسه با بسیاری از کشورهای خاورمیانه، کوچک به‌شمار می‌رود. با آن هم این کشور، نقش‌هایی را در منطقه و دنیا بازی می‌کند که دولت‌های عظیم و پهناور از انجام آن عاجزند.

نقش‌هایی را که امروزه قطر برعهده می‌گیرد و خوب هم بازی می‌کند، بایستی عربستان، ایران و ترکیه که قدرت‌های بزرگ خاورمیانه هستند، بازی می‌کردند. امروزه، قطر میزبان بزرگ‌ترین مسابقات ورزشی به وسعت جهانی است. همین‌طور میزبان گروه‌ها و

کشورهای متخاصم برای فصل خصومت نیز است. همچنان نشست‌هایی را میزبانی می‌کند که برای رسیده‌گی به بحران‌های بزرگ بشری راه‌اندازی می‌شود. نمونه جدید آن تدویر نشستی به رهبری سرمنشی سازمان ملل متحد در این کشور در خصوص رسیده‌گی به بحران افغانستان است.

پرسشی که در خصوص قطر مطرح است، این است که چه عواملی سبب شده تا این کشور کوچک تبدیل به یک بازیگر بزرگ در منطقه و دنیا شود؟ نوشته حاضر قصد پرداختن به این پرسش را دارد. به نظر می‌رسد قدرت نقش‌آفرینی قطر در عصر حاضر معلول عوامل ذیل باشد:

۱- قطر از قدرت نرم استفاده می‌کند

یکی از عوامل درخشش قطر در بازی‌های بزرگ منطقه و دنیا را می‌توان در استفاده موفقانه این کشور از قدرت

نرم جست‌وجو کرد. از قدرت نرم عمدتاً کشورهای کوچک استفاده می‌کنند و از قدرت سخت کشورهای بزرگ. با این تفاوت که کشورهای بزرگ همزمان می‌توانند از هر دو نوع قدرت استفاده کنند، ولی کشورهای کوچک نه. جمعیت زیاد، سرزمین وسیع، منابع طبیعی فراوان، نیروی نظامی قوی و تسلیحات مدرن و ویرانگر نمادهای قدرت سخت است که عمدتاً در دستان قدرت‌های بزرگ قرار دارد. قدرت سخت نوعی قدرت فزیک-مادی است که بر فرماندهی و نیروی اجبار و اعمال سلطه تکیه دارد و کشورهای بزرگ می‌توانند این ابزار را به کار ببندند. قدرت سخت از سیاست «چماق و هویج/زردک» استفاده می‌کند. «چماق» اشاره به تهدید نظامی دارد و «هویج/زردک» اشاره به پاداش اقتصادی. اگر کشوری بزرگ بخواهد کشوری کوچک را وادار به تغییر رفتار کند، یا با نیروی نظامی آن را تهدید می‌کند یا هم پاداش اقتصادی را در نظر می‌گیرد.

اما قدرت نرم در نقطه مخالف قدرت سخت قرار دارد. قدرت نرم بیشتر روی فرهنگ، ارزش، هنجار و روبه تأکید دارد. قدرت نرم با اجبار سروکاری ندارد؛ یعنی می‌توان گفت که نوعی نیروی غیراجباری است که بر اقناع و رضایت تکیه دارد. به‌کارگیری قدرت نرم، هزینه‌بر نیست؛ از این رو، بیشتر کشورهای کوچک می‌کوشند در سیاست خارجی خود این نوع قدرت را به کار بندند. با گسترش پدیده جهانی شدن و انقلاب اطلاعات و رسانه، قدرت نرم اهمیت خود را بیشتر نمایان ساخته است. برخی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بدین باورند که با جهانی شدن اطلاعات و رسانه اهمیت قدرت نرم اگر بیش از اهمیت قدرت سخت نباشد، کمتر هم نیست. «جوزف نای» یکی از نظریه‌پردازان مکتب نیولیبرال در روابط بین‌الملل است که در دهه ۱۹۹۰ مفهوم قدرت نرم را مطرح کرد و میان این قدرت و قدرت سخت تفاوت افکند و از اهمیت آن خبر داد.

ادامه در صفحه ۷

رقابت بر سر...

از صفحه ۴



با متحدانش از طرف دیگر، تلاش می‌کنند طالبان را از کنترل طرف مقابل خارج کنند. این وضعیت، در کوتاه‌مدت به نفع طالبان است و این گروه می‌تواند بسته‌های دالر آمریکا، آمدوشد دیپلماتیک روسیه و ایران، قراردادهای اقتصادی چین و لابی‌گری‌های پاکستان و قطر را همزمان داشته باشد، اما در درازمدت به زیان این گروه تمام خواهد شد؛ زیرا آن‌ها برای همیشه نمی‌توانند با همه طرف‌ها بازی کنند و همه را راضی نگه دارند. اصلی‌ترین دلیل آن، غیرمتجانس بودن خواست‌های این کشورها است. آن‌چه آمریکا و متحدانش از طالبان می‌خواهند، با چیزی که ایران، روسیه، چین و پاکستان انتظار دارند، به جز تشکیل «حکومت همه‌شمول» دیگر حتا به هم نزدیک نیست. پاکستان هرچند متحد سنتی آمریکا است، اما در رابطه با طالبان، دغدغه‌ها و نگرانی‌هایش حتا با مال آمریکا نزدیک هم نیست.

این سفرها و ملاقات‌ها، ادامه دعوا بر سر مالکیت طالبان است. اخیراً پاکستان خود را در قضایای افغانستان یک کشور حاشیه‌ای می‌داند و برای این‌که به متن قضایا برگردد و از آن طریق منافع سیاسی و اقتصادی خود را فراهم کند، به گزینه‌های مختلفی رو آورده است. افشاکری‌های حسن عباس، نویسنده کتاب «برگشت طالبان» در مورد روابط این گروه با نهادهای پاکستانی از جمله اداره استخبارات و ارتش و همچنان صحبت‌های افراسیاب ختک، سناتور پیشین پاکستان، در مورد این‌که سیاست‌های طالبان از اسلام‌آباد تعیین می‌شود، می‌تواند در همین راستا صورت گرفته باشد. هرچند ممکن سیاست‌مدارانی مانند ختک با افراد بر سر قدرت مخالفت‌هایی داشته باشند، اما وقتی پای منافع ملی این کشور به میان می‌آید، همه می‌توانند در یک مسیر حرکت کنند.

از آن‌جایی که کشورها با نزدیک شدن به طالبان، برای طرف‌های مقابل خود شاخ‌وشانه نشان می‌دهند، جدال آرام بر سر مالکیت این گروه ادامه خواهد یافت. با این حال، قدر مسلم این است که دیگر انحصار پاکستان بر طالبان شکسته است و دوحه هم سلطه انحصاری بر این گروه ندارد.

وزارت خارجه طالبان ملاقات می‌کند، قطر هم هیاتی را به افغانستان می‌فرستد تا با رییس‌الوزرای این گروه دیدار کند. هرچند گفته می‌شد که نخست‌وزیر و رییس استخبارات قطر با ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، نیز دیدار می‌کنند، اما آن‌ها در قندهار فقط با ملا حسن آخوند دیدار کردند.

در ترکیب این هیات قطری، عبدالله الخلیفی، رییس استخبارات این کشور، نیز حضور داشت. آن روز ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در توییتی نوشت که در ملاقات نخست‌وزیر قطر و هیات همراهش با رییس‌الوزرای طالبان در قندهار، روی «استحکام روابط و افزایش اعتماد» و همچنان کمک‌های دولت قطر در بخش‌های آموزشی، پزشکی و اقتصادی بحث شده است. واضح است که استحکام روابط و افزایش اعتماد یا چگونه‌گی کمک‌های آموزشی و اقتصادی یا صحی، از ماموریت‌های رییس استخبارات یک کشور نمی‌تواند باشد. برای پی‌گیری چنین مسایلی، آل‌ثانی کفایت می‌کرد؛ کسی که هم وزیر خارجه است و هم نخست‌وزیر.

حضور رییس استخبارات قطر در ترکیب این هیات، می‌تواند در پاسخ به ملاقات امیرخان متقی با جنرال عاصم منیر باشد. قطر با فرستادن هیاتی با چنین ترکیبی، به پاکستان این پیام را مخابره می‌کند که دوران سلطه انحصاری راولپندی بر گروه طالبان سر آمده و اکنون فصل دیگری از راه رسیده است.

سلطه انحصاری پاکستان شکسته است؟

به نظر می‌رسد کشورهای متخاصمی مانند پاکستان و هند یا ایران، روسیه و چین از یک طرف و آمریکا

تاکید کند و به جهان نشان دهد که مسیر ارتباط با طالبان از راولپندی می‌گذرد، نه از دوحه. هرچند در آن زمان گفته شد که برگزاری این نشست، برای رساندن پیام نشست دوحه به طالبان صورت گرفته، اما دو روز پیش دولت قطر نیز هیاتی را به رهبری عبدالرحمان آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه خود، به کابل و سپس قندهار فرستاد. دولت قطر و طالبان اعلام کردند که آل‌ثانی پیامی از جانب امیر قطر به امیر طالبان دارد. برخی تحلیل‌گران هم گفتند که این سفر احتمالاً برای رساندن پیام نشست دوحه به طالبان انجام شده است.

قطر؛ جای‌گزین احتمالی

قطر از سال ۱۳۹۲ تا کنون میزبان هیات سیاسی طالبان است. پس از سقوط طالبان در ۱۳۸۰، رهبران این گروه در پاکستان مخفی بودند، اما در سال ۱۳۹۲ با توافق دولت حامد کرزی، قطر از دفتر سیاسی این گروه در دوحه میزبانی کرد. علاوه بر آن نیز این کشور لطف بسیاری در حق طالبان کرده است، از جمله سهم دادن به رهبران این گروه در پروژه‌های پردرآمد ساخت ورزشگاه‌های فوتبال برای جام جهانی ۲۰۲۲. در روز افتتاح دفتر سیاسی طالبان در دوحه نیز شبکه الجزیره که از سوی دولت قطر تاسیس شده است، کنفرانس مطبوعاتی طالبان را پوشش زنده داد تا پیام آن‌ها را به جهان و کشورهای منطقه برساند. در شرایطی که طالبان رسانه مهمی در اختیار نداشتند، این لطف کمی نبود. از آن به بعد حاکمان قطر طوری رفتار می‌کنند که گویا مسیر ارتباط با طالبان، از دوحه می‌گذرد؛ امری که پاکستان را ناراحت کرده است. بازی کردن چنین نقشی، به معنای گرفتن جای سنتی پاکستان در ارتباط با طالبان است. برای همین، وقتی رییس ستاد ارتش پاکستان با سرپرست

برای حل مسایلی مانند عبور مهاجران از مرز، وزارت خارجه مسوولیت و صلاحیت دارد، نه رییس ارتش. پس از آن نیز جنرال حمید سال گذشته به کابل آمد که در آن سفر روی توافق آتش‌بس با تحریک طالبان پاکستان با میزبانی گروه حقانی صحبت شد. به تاریخ ۳ حوت ۱۴۰۱ نیز یک هیات نظامی به ریاست خواجه محمدآصف، وزیر دفاع و عضویت جنرال ندیم انجم، رییس سازمان استخبارات ارتش پاکستان، به کابل سفر کرد. هرچند در اعلامیه‌ها بحث‌های دیگری که اکثراً با پست‌های رییس سازمان استخبارات و وزیر دفاع ربط چندان وثیقی هم ندارد، اعلام می‌شود، اما فرستادن هیات نظامی و استخباراتی به جای هیات دیپلماتیک، به معنای این است که این کشور هنوز حس مالکیت بر طالبان را حفظ کرده است و این گروه را به جای یک دولت، یک گروه شبه‌نظامی می‌داند که طرف صحبت آن‌ها جنرال ارتش و رییس سازمان استخبارات هستند.

هرچند اخیراً پاکستان به دلیل حضور پررنگ قطر و ارتباط آن کشور با طالبان، به‌نحوی به حاشیه رانده شده، اما تلاش می‌کند به جهان بگوید که مساله طالبان و ارتباط با این گروه در غیبت صاحبان اصلی آن (پاکستان) قابل حل نیست. از سوی دیگر، ملاقات جنرالان پاکستانی با طالبان، عمدا صورت می‌گیرد تا این داعیه را تقویت کند که گروه طالبان دست‌نشانده و ساخته و پرداخته استخبارات و ارتش پاکستان است. به همین دلیل، وقتی یک هفته پیش امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان، برای اشتراک در نشست سه‌جانبه با وزیران خارجه پاکستان و چین به اسلام‌آباد سفر کرد، با جنرال عاصم منیر، رییس ستاد ارتش پاکستان، نیز دیدار کرد. این دیدار احتمالاً با خواست اسلام‌آباد صورت گرفت تا بار دیگر بر ارتباط ارتش و استخبارات پاکستان با گروه طالبان

قطر؛ کشوری کوچک...



قدرت نرم به کشورهای کوچک این فرصت را داده است که در برابر کشورهای بزرگ دست زبر الاشته ننشینند و برای بقا و دوام حیات خود تقلا کنند. پناه بردن به استفاده از قدرت نرم است که می‌تواند کشورهای کوچک را در برابر خطرات و صدمات ناشی از حدناشناسی کشورهای بزرگ مدد رساند. یکی از مزیت‌های قدرت نرم این است که با افکار سروکار دارد، نه با بدن‌ها. قدرت نرم به دنبال جذب مخاطب است با خلق سوزدها و ایده‌های نرم فرهنگی. قطر برای آن که بتواند خود را از خطر نفوذ همسایه‌های رقیب به‌ویژه عربستان دور نگه دارد، به استفاده از قدرت نرم پناه برده است. از آنجایی که قدرت نرم نوعی قدرت فرهنگی است، ابزار به‌کارگیری آن نیز فرهنگی است که قطر در استفاده از این ابزار برای گسترش قدرت خود موفق عمل کرده است. در ذیل به دو نمونه پرداخته می‌شود:

۱-۱ رسانه: رسانه مهم‌ترین وسیله ساده و موثر برای گسترش قدرت نرم است. قطر از این وسیله تا این‌دم خوب استفاده کرده است. الجزیره به‌مثابه رسانه بزرگ، مشهور و دیدنی در اختیار قطر قرار دارد. این رسانه در سال ۱۹۹۶ با حمایت مالی قطر در این کشور تاسیس شد. در آن زمان، تاسیس رسانه‌ای به بزرگی الجزیره در دنیای عرب امری غریب بود. الجزیره توانسته است نفوذ نرم قطر را نه تنها در منطقه، بلکه در دنیا اشاعه دهد. این رسانه امروز به یکی از بزرگ‌ترین رسانه‌های بین‌المللی تبدیل شده است و شاخه‌های فراوانی در هر سوی دنیا دارد. دو عامل در رشد این رسانه نقش داشته است: یکی این‌که نگاه انتقادی به وضع حاکم بر دنیای عرب داشت. قبلاً در دنیای عرب رسانه معتبری وجود نداشت. اگر هم وجود داشت، در خدمت حاکمان بود، نه مردم. ولی الجزیره سنت حاکم رسانه‌ای بر دنیای عرب را شکست و به نقد حاکمان و نظام‌های سیاسی حاکم بر دنیای عرب پرداخت. این امر توانست وجهت این رسانه را در نزد افکار عموم ارتقا بخشد. دوم این‌که الجزیره در بازنتاب انتقادی جنگ افغانستان، عراق، فلسطین و همچنان بهار عربی در ۲۰۱۱ خوب عمل کرد. این رسانه نگاه انتقادی به حمله نظامی امریکا به افغانستان و عراق داشت که این امر توانست افکار عمومی در دنیای اسلام را به سمت حمایت از این رسانه جهت دهد. همین‌طور بارها کشتار فلسطینی‌ها توسط اسرائیل را با نگاه منتقدانه و تاکید بر هویت عربی-اسلامی بازنتاب داده است. همچنان ضمن آن‌که در انعکاس بهار عربی موفق عمل کرد، به آن نوعی مشروعیت هم بخشید؛ یعنی آن را گامی ارزشمند برای براندازی نظام‌های حاکم وقت در دنیای عرب خواند. این همه در حالی صورت می‌گیرد که الجزیره نگاه از درون به بیرون دارد، نه از بیرون به درون؛ یعنی به وضع جاری در قطر نگاه نمی‌افکند و توش‌وتوان خود را فقط صرف عریان‌سازی خبط‌وخطاهای بقیه حاکمان در دنیای عرب می‌کند. تاسیس الجزیره توسط قطر و حمایت از آن، قدرت نرم این کشور را از آن رو گسترش داده است که بسیاری از کشورهای عرب با رسانه‌ها نه تنها بر سر مهر نیستند، که سرکوب هم می‌کنند.

۱-۲ ورزش: ورزش و راه‌اندازی مسابقات ورزشی ابزار دیگری برای گسترش قدرت نرم است که قطر ظرفیت استفاده از آن را دارد. قطر به ورزش به‌ویژه فوتبال به‌مثابه بازی بزرگ جهانی عنایت ویژه‌ای دارد و از راه‌اندازی مسابقات ورزشی استقبال می‌کند. برای نمونه، فوتبال را در روزگار حاضر نمی‌توان فقط ورزش خواند. درست است که فوتبال نوعی ورزش است، اما ورزشی است که ارزش آن را در مناسبات سیاسی دنیا نمی‌توان انکار کرد. امروزه تفکیک میان ورزش و سیاست دشوار شده است. این دشواری یا ناشی از تاثیر سیاست بر ورزش است یا هم ورزش بر سیاست. می‌توان گفت که فوتبال از میدان ورزش پا را فراتر گذاشته و میدان سیاست را نیز به محاصره کشیده است. کشورها می‌کوشند از ورزش به سود سیاست بهره ببرند. هر کشوری که در میدان ورزش درخشش داشته باشد، بر درخشش آن در میدان سیاست نیز تاثیر می‌گذارد. برای نمونه، برگزاری مسابقه جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال را در قطر نظر بگیرد. این کشور نشان داد که میزبان خوبی برای راه‌اندازی چنین مسابقات بزرگ است. برای بار اول بود که مسابقه جام جهانی در یکی از کشورهای عربی برگزار شد. درخشش قطر در میزبانی از این مسابقه، کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان، ایران و ترکیه را تکان داد. افکار عمومی در دنیا پیش از آن که به برنده و بازنده این مسابقه خیره شده باشد، به میزبانی قطر از این مسابقه خیره شده بود. پس از میزبانی قطر از جام جهانی بود که عربستان میزبان یکی از بازیکنان معروف فوتبال شد که گفته می‌شود تلاش دارد میزبان جام جهانی فوتبال ۲۰۳۰ نیز باشد. اگر دقت شود، این امر تاثیر ورزش بر سیاست را نشان می‌دهد. چون عربستان همسایه و رقیب قطر است، نمی‌تواند این کشور کوچک را به‌مثابه کنشگر فعال تحمل کند.

۲- قطر جمعیت کم، تنوع پایین و انباشت بالای ثروت دارد

جمعیت کم برای قطر بیش از آن که عیب باشد، مزیت بوده است. درست است که جمعیت زیاد می‌تواند قدرت سخت یک دولت را به نمایش بگذارد، ولی اگر تناسب میان جمعیت زیاد و رشد اقتصادی برقرار نشود، تبدیل به پاشنه آشیل می‌شود. برای نمونه، راز موفقیت چین در این است که توانسته میان جمعیت زیاد و رشد اقتصادی تناسب برقرار کند. اگر چنین نمی‌بود، جمعیت وسیع تبدیل به پاشنه آشیل برای این کشور می‌شد، چنان‌که در عصر حاکمیت «ماوتسه دونگ» بین سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۷۶ چنین شده بود. مزیت قطر در این است که جمعیت کم، تنوع پایین، ولی انباشت بالای ثروت دارد. جمعیت زیاد با انباشت پایین ثروت جور در نمی‌آید. نه تنها جور در نمی‌آید، که ناکامی دولت را در عرضه خدمات کافی به مردم و تامین رفاه اقتصادی به اثبات می‌رساند. مزید بر این، فقدان تنوع و کثرت اجتماعی در قطر از دیگر مزیت‌ها برای این کشور است. فقدان تنوع اجتماعی سبب شده است تا قطر از گزند تنش‌های گروهی-فرقه‌ای در امان بماند. اگر قطر بافت اجتماعی موجود در عراق و لبنان را می‌داشت، دشوار بود که در قامت کنشگر

فعال بتواند به این زودی‌ها ظهور کند. جمعیت کم و تنوع پایین سبب شده است که قطر از منابع طبیعی خود از جمله نفت و گاز در جهت انباشت سرمایه استفاده موثر کند. گفته می‌شود که قطر در صدور گاز پس از روسیه و ایران در جایگاه سوم و در صدور نفت در جهان در جایگاه سیزدهم قرار دارد. ایران هم کشوری است که به مانند قطر تکیه بر منابع طبیعی از جمله نفت و گاز دارد؛ اما خلاف قطر، جمعیت وسیع، تنوع بالا و انباشت پایین ثروت دارد و این امر سبب شده است که نتواند از منابع طبیعی خود به‌گونه بهتر به پیمانان قطر در جهت انباشت سرمایه استفاده موثر کند. براساس آمار ارایه‌شده در سال ۲۰۱۱، قطر دارای یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت و درآمد سرانه سالیانه ۷۲ هزار و ۵۳۲ دالر بوده است که این رقم رتبه ششم در جهان را نشان می‌دهد (بنگرید به: ستاری، ۱۴۰۱: گفتار دوم: صور بنیادی حیات نفتی، ص ۴۷). انباشت بالای ثروت، جمعیت کم و تنوع پایین، قطر را به استفاده از ابزار اقتصادی در پیش‌برد سیاست خارجی‌اش ترغیب کرده است.

۳- رضایت در داخل، کنشگری در خارج را فراهم کرده است

در قطر رضایت عمومی از نظام سیاسی حاکم وجود دارد. این رضایت را موفقیت دولت در تامین رفاه اقتصادی برای شهروندان فراهم ساخته است. در قطر با آن‌که نظام سیاسی دموکراتیک برقرار نیست، رضایت عمومی از «ساختار و کارگزار» در این کشور وجود دارد. برای شهروندان قطر دموکراسی چندان دغدغه جدی نیست؛ چون دولت با تبدیل رشد اقتصادی به رفاه اقتصادی، توانسته رضایت عموم را به دست آورد. قطر توانست به‌رغم حمایت از بهار عربی، از گزند آن مصون بماند. این کشور در داخل نگرانی ندارد که در خارج خوش می‌درخشد. طوری که دیده می‌شود، قطر به مسایل داخلی کمتر می‌پردازد و توش‌وتوان خود را بیشترینه صرف پرداختن به امور خارجی می‌کند. یکی از ابزارهای مورد استفاده این کشور در سیاست خارجی، اقتصاد است. میزبانی از مسابقات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و... به مقیاس جهانی را می‌توان در ذیل استفاده از توان اقتصادی در جهت گسترش نفوذ خارجی از سوی قطر معنا کرد. فضای آرام، هتل‌های مجلل، اماکن تفریحی و... میزبانی از مسابقات بین‌المللی را برای این کشور تسهیل کرده است. ابزار دیگری که قطر در سیاست خارجی از آن استفاده می‌کند، سیاست میانجی‌گری است. تا این‌دم که دیده می‌شود، در استفاده از این سیاست هم موفق عمل کرده است. در ذیل به دو نمونه پرداخته می‌شود:

۳-۱ در سال ۲۰۰۸ لبنان بار دیگر در معرض خطر جنگ داخلی قرار گرفت. این امر ناشی از پس‌لرزه‌های جنگ ۲۰۰۶ میان لبنان و اسرائیل بود که به جنگ ۳۳ روزه معروف است. لبنانی‌ها به مدت هژده ماه در کش‌مکش و نزاع به سر می‌بردند و نتوانستند برای تشکیل حکومتی که همه گروه‌های قومی-فرقه‌ای را در خود جا دهد، به توافق دست پیدا کنند. کشوری که به این غایله پایان داد، قطر بود. قطر میزبانی گروه‌های متخاصم در لبنان را عهده‌دار شد و با انعقاد موافقت‌نامه‌ای که «موافقت‌نامه دوحه» نام گرفت، به این منازعه پایان داد و رضایت گروه‌های لبنانی را برای تشکیل حکومت وحدت ملی فراهم ساخت.

۳-۲ قطر در سال ۲۰۱۳ در خاک خود برای گروه طالبان دفتر ایجاد کرد و زمینه را برای مذاکره این گروه با کشورهای دنیا به‌ویژه امریکا و افغانستان مساعد ساخت. هر کشوری که بنای گفت‌وگو با طالبان را می‌داشت، بایستی دروازه قطر را می‌زد. این کشور سال‌های طولانی میزبان گروه طالبان و هیات امریکایی برای مذاکره بر سر خروج افغانستان بود. همچنان میزبانی از هیات طالبان و هیات دولت

پیشین افغانستان را عهده‌دار بود. چیزی که در این خصوص شایان توجه است، این است که سیاست میانجی‌گری از سوی قطر نتیجه در پی داشته؛ یعنی منجر به امضای موافقت‌نامه میان امریکا و طالبان شده که براساس مفاد آن امریکا نیروهای نظامی خود را از افغانستان خارج کرده است. اما این‌که این خروج چه مصایبی را بر مردم افغانستان تحمیل کرد، بحثی جدا است.

مزید بر موارد فوق، پیشه کردن تعامل با کشورهای منطقه توانسته است بر توان نقش‌آفرینی قطر بیفزاید. به‌رغم آن‌که این کشور با برخی همسایه‌های خود و کشورهای منطقه ناساز است، با آن هم کوشیده است تا تعامل را از کف رها نکند. پناه بردن به سیاست تنش‌زدایی و پرهیز از ستیزه‌جویی، انحصارطلبی و مزاحمت‌آفرینی به دیگران، سبب شده است تا قطر همزمان در چند سازمان مهم منطقه‌ای عضو باشد: سازمان همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان کشورهای اسلامی. برای نمونه، رابطه میان کشورهای عرب حوزه خلیج با ایران را در نظر بگیرید. عربستان و امارات و بحرین دشمنی با ایران را اختیار کرده‌اند، ولی قطر نه. عربستان تا قبل از سرگیری رابطه با ایران، به تحکیم رابطه خود با امریکا بیشتر کوشید تا ایران را در منطقه منزوی سازد. همین‌طور امارات و بحرین با اسرائیل پیمان «ابراهیم» را منعقد کردند، برای به انزوا راندن ایران و مهار نفوذ آن در منطقه. قطر اما نه تنها کوشید که رابطه خود با ایران را تیره نسازد، بلکه به‌مثابه میانجی میان امریکا و ایران نیز عمل کرده است تا بتواند از سطح تنش میان این دو کشور بکاهد.

۴- قطر در سایه حمایت امریکا راه می‌رود

کشوری کوچک چون قطر اگر حامی فرمانطقه‌ای نداشته باشد، دشوار است که بتواند سیاست خارجی فعال در منطقه و دنیا را در پیش گیرد. قطر یکی از متحدان دیرین و کلیدی امریکا در خاورمیانه به شمار می‌رود. این کشور در سال ۱۹۹۲ با امریکا پیمان امنیتی دوجانبه امضا کرده است. ایجاد پایگاه «العدید» در قطر و حضور نظامیان امریکایی در این کشور، بخشی از مفاد این پیمان را می‌سازد. قطر به امریکا اجازه داد تا از خاکش علیه عراق در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ استفاده کند. حضور نظامیان امریکایی در قطر، نوعی چتر امنیتی برای این کشور ایجاد کرده است که در سایه آن فارغ از نفوذ رقیبان منطقه‌ای، به نقش‌آفرینی خود ادامه می‌دهد. همین‌طور پس از برگشت گروه طالبان به قدرت در افغانستان، این کشور به‌مثابه حامی منافع امریکا در افغانستان نقش ایفا می‌کند. دوستی قطر با امریکا، بر رشد اقتصادی این کشور تاثیر به‌سزایی داشته است. قطر کوشیده است تا از مزایای نظم سرمایه‌داری تا جایی که مقدور است، استفاده کند. نظم سرمایه‌داری در خاورمیانه تنها در کشورهایی چون قطر، امارات و ترکیه کارآمد بوده است و بقیه کشورهای این منطقه آن را به کار نیستند یا هم کاربست آن، روزگار آن‌ها را بدتر ساخته است. حفظ رابطه دوستی با امریکا، سبب شده است که این کشور از کنشگری قطر در منطقه و دنیا حمایت کند. برای نمونه، اگر قطر حمایت قدرت‌های بزرگ غربی به‌ویژه امریکا را با خود نداشته باشد، دشوار است که بتواند نشست‌های بزرگی به پیمان نشست‌هایی که چندی پیش به مناسبت رسیده‌گی به بحران جاری در افغانستان به رهبری سرمشقی سازمان ملل متحد راه‌اندازی شده بود را میزبانی کند.

منبع:

ستاری، سجاد (۱۴۰۱)، گفتارهای نو در جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دوم، موسسه انتشارات دانشگاه تهران. همچنان در رابطه به نرخ جمعیت و میزان درآمد سرانه آن‌گونه که در این کتاب ارجاع یافته است، می‌توانید رجوع کنید به: WWW.forbes.com/magazines

بربنیاد گزارش‌ها، ولادیمیر زلسکی، رئیس‌جمهور اوکراین به هدف دریافت تسلیحات بیشتر برای روبرویی با روسیه، به آلمان رفته است. یورونیوز گزارش داد که زلسکی صبح روز یکشنبه، ۱۴ می، در اولین مرحله سفر خود به آلمان، با اولاف شولتز، نخست‌وزیر و فرانک والتر اشتاین مایر، رئیس‌جمهور آن کشور دیدار کرد. آلمان اکنون به یکی از بزرگ‌ترین تامین‌کننده‌گان تسلیحات اوکراین تبدیل شده و تا کنون تجهیزات مانده تانک‌های لئوپارد ۱ و ۲ و سیستم‌های پیشرفته دفاع هوایی در اختیار این کشور گذاشته است. پیش از این، بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان ضمن اعلام خبر بسته تسلیحاتی جدید، تاکید کرد که برلین «تا زمانی که جنگ طول بکشد»، به اوکراین کمک خواهد کرد.

بارسلونا قهرمان لالیگای اسپانیا شد

بارسلونا تا کنون ۲۷ بار قهرمان این لیگ شده و دومین تیم پرافتخار در این لیگ پس از ریال مادرید است. تیم فوتبال ریال مادرید تا کنون ۳۵ عنوان قهرمانی در لالیگای اسپانیا دارد. آبی‌انارهای کاتالونیا در این فصل تا کنون از ۲۴ بازی ۲۷ پیروزی، سه شکست و چهار تساوی کسب کرده‌اند. این تیم همچنان ۶۴ گل زده و ۱۳ گل خورده است.



تیم فوتبال بارسلونا، پس از پیروزی در مقابل تیم فوتبال اسپانیول در هفته سی‌وپنجم لالیگای اسپانیا، برای بیست‌وهفتمین بار قهرمان این رقابت‌ها شد. در دیدار این دو تیم که یکشنبه‌شب، ۲۴ می، برگزار شده بود، بارسلونا با نتیجه چهار بر دو پیروز شد. شاگردان ژاوی هرناندز که در این دیدار برای کسب پیروزی آمده بودند. در ۲۰ دقیقه نیمه نخست بازی، رابرت لواندوفسکی و الخاندرا بالده دو بار دروازه تیم میزبان را باز کردند. در ادامه این نیمه، لواندوفسکی در دقیقه ۴۰ بازی روی پاس رافینیا گل سوم را وارد دروازه اسپانیول کرد تا این نیمه با نتیجه سه بر صفر به نفع بارسا پایان یابد. در نیمه دوم این دیدار، ژول کونده در دقیقه ۵۳، گل چهارم بارسلونا را به ثمر رساند و برای اسپانیول ژاوی پوادو و ژوزلو گول‌زنی کردند. با این پیروزی بارسلونا نظر به تفاضل بیشتر امتیاز نسبت به تیم دوم جدول، قهرمان این لیگ شد. نظر به تفاوت ۱۴ امتیازی این تیم با ریال مادرید، اگر در چهار بازی باقی‌مانده فصل شکست هم بخورد، با تفاوت نسبت به تیم دوم جدول، قهرمان این فصل می‌شود.

پایان امیدهای آرسنال برای عنوان قهرمانی؛ برایتون سه بر صفر توپ‌چی‌ها را شکست داد

با نتیجه مساوی صفر بر صفر به رخت‌کن رفتند. در نیمه دوم بازی، تیم فوتبال برایتون شروع بهتری داشت و بازیکنان این تیم سه بار دروازه آرسنال را باز کردند.

توپ‌چی‌ها که در این بازی به امید یک پیروز و نزدیک ساختن امتیاز با تیم منچستر سیتی، صدرنشین لیگ برتر انگلستان، به میدان رفته بودند، شکست تلخی را تجربه کردند.

تیم فوتبال آرسنال در هفته سی‌وششم لیگ برتر انگلستان، سه بر صفر در مقابل تیم فوتبال برایتون شکست خورد و فاصله این تیم با صدر جدول به چهار امتیاز افزایش یافت.

در این دیدار که یکشنبه‌شب، ۱۴ می، برگزار شد، آرسنال در ورزشگاه امارات میزبان برایتون بود. در نیمه نخست این دیدار دروازه‌ها بسته ماند و دو تیم



تیم فوتبال آرسنال در هفته سی‌وششم لیگ برتر انگلستان، سه بر صفر در مقابل تیم فوتبال برایتون شکست خورد و فاصله این تیم با صدر جدول به چهار امتیاز افزایش یافت. در این دیدار که یکشنبه‌شب، ۱۴ می، برگزار شد، آرسنال در ورزشگاه امارات میزبان برایتون بود. در نیمه نخست این دیدار دروازه‌ها بسته ماند و دو تیم

رئیس بارسلونا تلاش‌ها برای برگرداندن مسی به نیوکمپ را تایید کرد



همچنان ایجاد فاصله میان این بازیکن و هواداران تیم فرانسوی پس از قهرمانی وی به همراه آلبی‌سلیسته در جام جهانی در کنار سفر اخیر وی به عربستان سعودی، آینده مسی را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است. رفتن به لیگ عربستان و همچنان پیوستن به لیگ فوتبال آمریکا از جمله شایعاتی است که تا حال در مورد آینده مسی مطرح می‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد که با تایید لاپورتا، قضیه بازگشت مسی به بارسلونا جدی‌تر از قبل مطرح است.

خوان لاپورتا، رئیس باشگاه بارسلونا پس از قهرمان این تیم در لیگ فوتبال اسپانیا، به خبرنگاران تایید کرد که می‌خواهد در فصل پیش‌رو لیونل مسی، اسطوره و کاپیتان سابق تیمش را به این باشگاه برگرداند. خبرنگاران ورزشی، از جمله فابریتزو رومانو این موضوع را یکشنبه‌شب، ۱۴ می، به نقل از لاپورتا گزارش داده‌اند.

رئیس باشگاه بارسلونا افزوده است: «ما هر کاری که بتوانیم برای بازگرداندن لیو مسی به بارسلونا انجام خواهیم داد. می‌توانم این را بگویم. ما در حال کار بر روی طرح پایداری هستیم تا کارهایمان را مطابق فیریلی مالی انجام دهیم، چنان‌که تیم قدرتمندتری خواهیم ساخت.»
گفتنی است که قرارداد مسی با باشگاه پاری‌سن‌ژرمن تابستان سال جاری پایان می‌یابد.

وزیر داخله پاکستان:

عمران خان هزاران تن از «اشرار» را مسلح کرده است



نهم می و پس از بازداشت عمران خان، ۴۰ تا ۴۵ هزار تن دست داشته‌اند. او با تاکید بر این که همه معترضان به دستور خان داری‌های عامه را به آتش کشیده‌اند، هشدار داده که همه‌ای معترضان را با استفاده از تصاویر دوربین‌های مدار بسته شناسایی و بازداشت خواهند کرد. عمران خان، هنوز به این اتهام واکنشی نشان نداده است. اتهام مسلح‌سازی هزاران تن از افراد شرور از سوی عمران خان در سراسر پاکستان در حالی مطرح شده است که هفته‌ای گذشته پس از بازداشت خان، اعتراضات مرگبار و ویران‌گری در این کشور برای سه روز راه‌اندازی شد. براساس گزارش‌ها، در این اعتراضات حدود ۱۰ تن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، روز گذشته دستور بازداشت «اشوب‌گران» اعتراضات نهم می در این کشور را صادر کرد.

رعنا ثنالله، وزیر امور داخله پاکستان، عمران خان، نخست‌وزیر پیشین و رهبر حزب تحریک انصاف، این کشور را به مسلح‌سازی و آموزش هزاران تن از افراد شرور متهم کرده است. روزنامه دان گزارش داده که وزیر داخله پاکستان، روز شنبه، ۱۳ می، در یک کنفرانس خبری در اسلام‌آباد گفته است که این افراد در یک دهه گذشته از سوی خان مسلح شده و در سراسر این کشور به خدمت گرفته شده‌اند. ثنالله، از صدور حکم رهایی خان از سوی دادگاه را انتقاد کرده و آن را به «مسکن فوق‌العاده» برای او تشبیه کرده است. همزمان با این وزیران آبوهوا و دفاع پاکستان نیز اتهام‌های مشابه به وزیر داخله پاکستان بر عمران خان را مطرح کرده‌اند. وزیر داخله پاکستان گفته که در اعتراضات و ناآرامی‌های

اتحادیه اروپا:

آخرین مذاکرات ارمنستان و آذربایجان باید منجر به برقراری صلح شود



سال ۱۹۹۱ را به رسمیت بشناسند. تا کنون هیچ یک از این رهبران پس از دیدار اخیرشان اظهار نظری نکردند. قرار است نشست دیگری نیز میان پاشینیان و علی‌اوف، در اول جون سال جاری در حاشیه دومین اجلاس «جامعه سیاسی اروپا» برگزار شود و شارل میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا، امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه و اولاف شولتز، نخست‌وزیر آلمان نیز در این نشست اشتراک خواهند کرد. آذربایجان و ارمنستان از دیر زمانی بر سر کنترل منطقه قره‌باغ با هم اختلاف دارند. براساس گزارش‌های نشر شده، ۲۸۶ نفر تنها در ماه سپتامبر سال گذشته پس از درگیری‌های مرزی بین دو کشور جان باختند. در حال حاضر آتش‌بس میان طرف‌ها با پادرمیانی آمریکا برقرار شده است.

اتحادیه اروپا از آخرین نشست رهبران ارمنستان و آذربایجان به عنوان یک گام مثبت در جهت رسیدن به توافق صلح پایدار بین این دو کشور همسایه که در ۳۰ سال گذشته دو جنگ بزرگ را پشت سر گذاشته‌اند، استقبال کرد. بربنیاد گزارش رویترز، این نشست روز یکشنبه، ۲۴ می، به میزبانی اتحادیه اروپا در بروکسل برگزار شده بود. چارلز میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا، گفته است که نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان و الهام علی‌اوف، رئیس‌جمهور آذربایجان، در خصوص بازگشت زندانیان، تعیین مرزها و دسترسی از طریق خاک یکدیگر برای رسیدن به مناطق منزوی در قفقاز گفت‌وگو کرده‌اند. میشل افزوده: «رهبران تمایل مشترکی برای صلح قفقاز جنوبی داشتند. من از تلاش‌های آنها قدردانی می‌کنم.» او تاکید کرده است که هر دو طرف توافق کردند که مرزهای تعیین شده پس از پایان حکومت شوروی در